

راهکارهای سازگاری پس از طلاق از دیدگاه قرآن^۱

محمد

رضا سالاری فر^۲

وحید پوستین دوز^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۷

چکیده

سازگاری پس از طلاق عبارت از فرآیند تطابق با تغییرات زندگی حاصل از طلاق و دستاوردهای روان‌شناختی و هیجانی بعد از آن است. هدف این تحقیق بررسی راهکارهای مؤثر در سازگاری زن و مرد پس از طلاق از دیدگاه قرآن است. سازگاری مثبت پس از طلاق شامل رهایی از علائم و نشانه‌های جسمی یا بیماری روانی، توانایی انجام وظایف و مسئولیت‌های محوله زندگی در خانه، میان خویشان، محل کار، بهرموری از اوقات فراغت و رشد استقلال فردی است به‌طوری که با وضعیت تأهل یا همسر سابق گره نخورده باشد.

روش این تحقیق تحلیل محتوای آیات مربوط به طلاق، ازدواج و اختلافات زوجین در قرآن است.

یافته‌های تحقیق: آموزه‌های اخلاقی در آیات قرآن کریم و سخنان معصومان علیهم‌السلام نشان‌می‌دهد که اسلام در سه مرحله قبل از طلاق، حین طلاق و بعد از طلاق، برای پیشگیری و کاهش آسیب‌ها و در نتیجه سازگاری پس از طلاق این راهکارها را ارائه داده است: کسب نگرش صحیح به طلاق، آموختن سنت طلاق، رعایت حدود الهی در طلاق، حسن معاشرت قبل از طلاق، حکمیت و میانجی‌گری خویشاوندان، مشاوره قبل از طلاق، جدایی با شایستگی، رعایت حقوق یکدیگر در حین طلاق، پرهیز از دروغ‌گویی و تهمت زدن، حمایت مالی خانواده مبدأ از زنان مطلقه، توکل و امید به خداوند پس از طلاق، رعایت حقوق فرزندان و تشویق به ازدواج و تشکیل زندگی. **واژگان کلیدی:** طلاق، سازگاری پس از طلاق، قرآن، آموزه‌های اسلامی، خانواده.

مقدمه

۱ این مقاله از رساله آقای وحید پوستین دوز با تغییراتی اتخاذ شده است.

۲ دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: msalarifar@rihu.ac.ir

۳ طلبه سطح ۳ حوزه علمیه اصفهان: vahid.pz59@gmail.com

طلاق یک آسیب اجتماعی کاملاً محسوس در ایران کنونی است. این مسئله در جوامع در حال گسترش است و به نوعی به مسئله روز تبدیل شده است. در ایران نسبت ازدواج به طلاق در سال ۱۴۰۱ به ۳۹ درصد رسیده است (سایت سازمان ثبت احوال کشور، ۱۴۰۲/۵/۱۱). طلاق از جنبه های روانی، اجتماعی و اقتصادی بر زندگی فرد تأثیر دارد. طلاق حاکی از ناپایداری ازدواج و ناکارآمدی خانواده است. ازدواج هایی که منجر به طلاق می شود به سلامت روانی، جسمی و اجتماعی زن و مرد، فرزندان و خانواده های مرتبط با آنان آسیب می زند. برخی از این آسیب ها عبارتند از افسردگی، افزایش انحرافات اجتماعی، احساس پوچی و بی معنایی در زندگی و مشکلات اقتصادی (صدرالاشرفی و دیگران، ۱۳۹۱).

سازگاری پس از طلاق به مجموعه فرایندهای روان شناختی اطلاق می شود که به تدریج فرد با گذر از آن ها می تواند به شرایط مطلوب بازگردد و آمادگی لازم برای زندگی عادی را کسب کند. به عبارت دیگر «فرآیند تطابق با تغییرات زندگی حاصل از طلاق و دستاوردهای روان شناختی هیجانی متعاقب آن». سازگاری با طلاق به عنوان فرایندی چند بعدی تعریف شده که شامل مؤلفه های روان شناختی، اجتماعی و اقتصادی می باشد. مورگان و کیتسن^۱ (۱۹۹۰) سازگاری با طلاق را شامل فرآیند بازسازی (مثل تغییر فرد از زندگی زوجی به زندگی جدا، جدایی از همسر قبلی و بازسازی مفهوم خود به عنوان فردی مستقل)، توانایی سازگاری با زندگی مجردی و همچنین فقدان علانم و نشانه های جسمی و روانی، توانایی عمل کردن به نقش های روزانه خانواده، کار و فراغت و ایجاد هویت جدید جدای از همسر قبل و یا جدا از رابطه زناشویی و حل احساسات می دانند. سازگاری با طلاق فرآیند جدایی از رابطه زناشویی، حل احساسات ناشی از گسستگی زناشویی، تثبیت رابطه پس از طلاق با همسر قبلی و همسر فعلی می باشد (کاستالدو^۲ ۲۰۰۸ به نقل از بلالی، ۱۳۹۰).

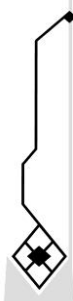
1 Kitson & Morgan

2 Castaldo.

شایع‌ترین ارزیابی سازگاری پس از طلاق از طریق شاخص‌های ناسازگاری طلاق مانند افسردگی، اختلالات هیجانی، بیماری روانی، اضطراب، تنهایی، احساس شکست شخصی، طرد و بحران هویت است. با این وجود، تمرکز بر سازگاری مثبت با طلاق نیز امکان‌پذیر است. سازگاری مثبت شامل رهایی از نشانه‌های جسمی یا روانی، توانایی انجام وظایف محوله در زندگی روزانه در خانه، میان فامیل، محل کار، بهره‌وری از اوقات فراغت و رشد استقلال فردی به‌طوری‌است که با وضعیت تأهل یا همسر سابق گره نخورده باشد. علاوه بر این، سازگاری مثبت محدود به فقدان نشانه‌های منفی نیست، بلکه شامل تغییر مثبتی است که می‌تواند بیانگر آرامش روانی، شادی، زندگی رضایت‌مند و توان کنار آمدن با مشکلات باشد (افشاری، ۱۳۸۸).

نگرش مذهبی در مواجهه با استرس‌های ناشی از طلاق و همچنین در سازگاری پس از طلاق نقش به‌سزایی دارد. نگرش مذهبی، عبارت است از اعتقادات منسجم و یکپارچه که خداوند را محور امور دانسته و ارزش‌ها و اخلاقیات، آداب و رسوم و رفتارهای انسان را با یکدیگر یا با طبیعت یا با خویشتن تنظیم می‌کند (رئیزی‌پور، ۱۳۸۶). ایمان به خدا موجب می‌شود نگرش فرد به‌کل هستی هدفدار و معنادار شود. عدم ایمان به خدا موجب می‌شود که فرد انسجام و آرامش نداشته‌باشد (خالقی‌دهنوی و یزدخواستی، ۱۳۹۳).

ساز و کار تأثیر مذهب در حل مشکلات روان‌شناختی و سازش‌یافتگی مبتنی بر این عوامل است: «تسهیل‌های اجتماعی»، «معنا دهی به زندگی»، «ارائه الگوهای دل‌بستگی و جدایی»، «تشویق و تنبیه»، «آیین‌های مذهبی»، «پرورش عقلانی»، «هویت‌بخشی» و «نظم اجتماعی و فردی». می‌توان به این فهرست موارد دیگری مانند «وحدت‌یافتگی روانی»، «تخلیه هیجانی در دعا»، «تقویت رفتار از طریق اعتقاد به معاد و قیامت»، «صدور رفتار از طریق احکام و عبادات»، مضاعف نمودن منابع مهار رفتار شامل منبع مهار درونی (عقل) و منبع مهار بیرونی (قرآن و سنت) و جز آن را افزود. تحقیقات انجام شده نشان داده‌اند که معنویت نه‌تنها بر حالات خلقی و سلامت



روانی افراد مؤثر است، بلکه شرایط جسمانی آن‌ها را نیز بهبود می‌بخشد (جان‌بزرگی، ۱۳۷۸). افراد مذهبی، معنا و هدف بیشتری را تجربه می‌کنند و علاوه بر این امیدوارتر هستند. معنویت می‌تواند به افراد حمایت و قدرت شخصی بدهد که این امر بر شیوه‌ای که در آن استرس‌های زندگی کنترل می‌شود، اثر دارد (بلالی، اعتمادی و فاتحی، ۱۳۸۸). مجموعه این تحقیقات نشان می‌دهد که می‌توان با استفاده از مذهب به سازگاری افراد در مشکلات از جمله در طلاق کمک کرد.

از طرف دیگر قرآن در آیات ۲۲۵ تا ۲۳۷ سوره بقره و آیات ۱ تا ۴ سوره طلاق و روایات معصومان (ع)، نیز به‌صورت گسترده به ابعاد فقهی حقوقی، معنوی و اخلاقی طلاق پرداخته‌است. هر چند طلاق در روایات مبعوض‌ترین حلال الهی نامیده شده‌است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۲ ص ۷)، ولی امری فطری و جایز است و ممنوعیت آن مفاسدی بیش از طلاق به بار می‌آورد. آموزه‌های فقهی، طلاق زن به مرد سپرده، ولی توصیه‌های اکیدی برای حفظ حقوق زنان در طلاق دارد. اسلام در مجموعه‌ای از آموزه‌های معنوی، فقهی و اخلاقی فرایند طلاق را نظام‌مند ساخته و در تلاش است تا زوجینی که قصد طلاق دارند با کمترین آسیب به خود، فرزندان و خانواده‌های مبدأ از یک دیگر جدا گردند که این در سازگاری مطلوب با طلاق تأثیر دارد. این تحقیق توصیه‌های مرتبط با سازگاری پس از طلاق در قرآن کریم را در ضمن راهکارهایی بررسی می‌کند. وطن‌خواه (۱۳۹۷) به اخلاق طلاق در قرآن و روایات پرداخته ولی موضوع سازگاری را مد نظر قرار نداده است.

مسئله این پژوهش بررسی راهکارهای مؤثر در سازگاری مرد و زن پس از طلاق در قرآن است. مراد از راهکارها مجموعه‌ای از باورها و رفتارهای مؤثر در سازگاری پس از طلاق است که بر اساس آن می‌توان به مجموعه‌ای از اصول سازگاری پس از طلاق در آیات قرآن دست یافت.

روش پژوهش

روش این تحقیق تحلیل محتوای آیات قرآن است. ابتدا آیات مرتبط با موضوع یعنی طلاق جمع آوری شد. این آیات مربوط به روابط زوجین، اختلافات زناشویی و طلاق بود. واحدهای تحلیل را جملات توصیفی-تبیینی موجود در قرآن تشکیل می‌دادند. در این پژوهش، هر دو محتوای آشکار و پنهان متون بررسی شدند و تحلیل داده‌ها با بررسی مضمون اصلی جملات توصیفی-تبیینی صورت گرفت و مقوله‌بندی آنها انجام شد. بر این اساس، تحلیل محتوا، از نوع کیفی و با رویکرد تفسیری است. جملات توصیفی-تبیینی موجود در قرآن و تفاسیر و مرتبط با حوزه روابط همسران و طلاق جامعه اسناد را در این پژوهش تشکیل داده‌اند.

یافته‌ها

اصطلاح سازگاری پس از طلاق در آیات قرآن به چشم نمی‌خورد و بیشترین تأکید قرآن بر احکام فقهی طلاق و توصیه‌های اخلاقی است ولی با بررسی جامع و عمیق‌تر این موارد، می‌توان به راهکارهای معنوی، حقوقی و اخلاقی برای سازگاری پس از طلاق در قرآن دست یافت. راهکارهای معنوی به رابطه فرد با خداوند باز می‌گردد. راهکارهای حقوقی از حدود و چارچوب‌ها و قوانینی که برای طلاق بیان شده به دست می‌آید. راهکارهای اخلاقی نیز از توصیه‌های اخلاقی در مورد رفتار با یکدیگر در شرایط طلاق مربوط است.

توصیه‌های معنوی، فقهی و اخلاقی اسلام به‌گونه‌ای است که در یک فرآیند مسالمت‌آمیز همسران به حل تعارضات بپردازند و چنانچه نتوانستند راه حلی برای آن بیابند، با رعایت تقوای الهی، به بهترین شکل ممکن از یکدیگر جدا شوند^۱ (احزاب، ۲۸ و ۴۹). «سراح جمیل» در این آیه به معنی رها ساختن توأم با محبت و احترام و ترک

۱ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَكَخْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَعِيَهُنَّ وَسَرْخُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا.



هر گونه خشونت و ظلم و ستم و بی احترامی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۳۷۳).

راهکارهای قرآن برای سازگاری پس از طلاق قبل از تصمیم به طلاق آغاز می‌گردد. قرآن به صورت مرحله به مرحله راهکارهایی را برای مقابله با وقوع طلاق و سپس کاهش آسیب‌های طلاق و سازگاری با آن ارائه می‌دهد. در مرحله اول به کاهش تنش و تعارض میان زوجین و کمک طلبیدن خویشاوندان به رفع مشکلات ارتباطی زوجین توصیه می‌شود. در صورت حل نشدن تعارض و عدم امکان ادامه زندگی مشترک، بر نحوه جدایی و رعایت حقوق همسر و فرزندان تمرکز می‌شود تا زوجین با کمترین آسیب از هم جدا شوند. در این رابطه بیشتر توصیه‌ها معطوف به رعایت حقوق زنان است. از آنجا که زنان آسیب‌پذیرتر از مردان در فرایند طلاق هستند، توصیه‌های معنوی، حقوقی و اخلاقی در این خصوص مطرح شده است تا زنان در زندگی زناشویی، فرایند طلاق و پس از آن کمترین آسیب روانی و مالی را متحمل شوند.

دوازده آیه به طور مستقیم به طلاق و مسائل و احکام آن اختصاص دارد (جامع التفاسیر نور ۳). براینمونه در آیات مربوط به طلاق در سوره بقره دوازده بار کلمه «معروف» تکرار شده است که خود نشان‌دهنده احترام به حقوق دیگران و پایمال نکردن آن و به‌کارگیری یک روش محترمانه و نیکوکارانه است. مرور این آیات نشان می‌دهد که شارع مقدس توجه خاصی به طلاق داشته و تا آنجا که ادامه زندگی زناشویی امکان‌پذیر باشد طلاق را روا نداشته است. قرآن کریم خطاب به پیامبر و مسلمانان می‌گوید که اگر می‌خواهید طلاق بدهید باید مسئله عده و زمان طلاق را در نظر بگیرید. از جمله دو شاهد هنگام اجرای حکم طلاق باید حاضر باشند ۱ (طلاق، ۱ و ۲) تا به هر تقدیر طلاق را تا مدتی به تأخیر بیفتد. همچنین طلاق در حالت روزهای عادت ماهیانه زن اجرا نشود (وحیدی، ۱۳۸۵، ص ۳۰۸).

۱ یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ

در نگاه اسلامی، مواردی وجود دارد که مبعوضیت طلاق را کاهش می‌دهد مانند طلاق که به‌خاطر بیماری جسمی سرایت‌کننده، بیماری روانی، بیماری جنسی، بداخلاقی، بددینی، بی‌توجهی به جنبه‌های عفت و پاکدامنی، معاشرت‌های ناروا، عقیم بودن، اعتیاد و تخطی همسر از قوانین اسلامی صورت می‌گیرد. بی‌تردید چنین مراقبت‌هایی باید قبل از ازدواج مورد نظر باشد تا زمینه برای ناسازگاری‌های بعدی فراهم نگردد (وطن‌خواه، ۱۳۹۷). در این بخش ابتدا راهبردهای کلی و سپس راهبردهای سازگاری با طلاق در سه مرحله، از دیدگاه اسلامی بیان می‌گردد.

راهبردهای کلی برای طلاق

۱-۱. توصیه به طلاق (راهبرد اخلاقی)

در نگاه اسلامی وقتی اختلاف و نزاع در بین زوجین به حدی است که امیدی به توافق طرفین نیست، توصیه به طلاق شده است (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳ ص ۱۳۰). طلاق به‌عنوان آخرین راه حل در مواردی که درگیری بین زوجین شدید گردیده و چاره‌ای جز طلاق نباشد و حتی دعا هم دیگر کارساز نیست مقرر شده است. رسول‌الله ﷺ فرمود: «پنج گروه‌اند که دعای آنان مستجاب نمی‌شود: یکی از آنان مردی است که خداوند اختیار طلاق زنش را به او سپرده، در حالی که زنش او را آزار می‌دهد و او می‌تواند مهر و نفقه زن را بپردازد و وی را رها کند، ولی رهاش نمی‌کند و فقط به دعا می‌پردازد تا خدا برایش کاری بکند!». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۲، ص ۱۳). منشأ تجویز طلاق، حکیم، سمیع و علیم بودن خداوند است به این که توافق این زوج به سرانجام نخواهد رسید^۱ (بقره، ۲۲۷ و نسا، ۱۳۰). بنابراین اگر طلاق بر اساس تصمیم درست انجام پذیرد و آخرین راه حل باشد، نه‌تنها مبعوض الهی نیست بلکه خداوند حکیم هر کدام از طرفین را از رحمت و اسعه خود بهره‌مند می‌کند. در شرایط ناسازگاری یا بی‌میلی شدید

۱. إِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ وَ إِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَ كَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا



زن، برخی مردان به هر دلیل اقدام به طلاق نمی‌کنند که این در سازگاری خود آنان و زن مطلقه‌شان تأثیرات منفی دارد.

۲-۱. رعایت مرزهای تقوی و حدود الهی (راهبرد معنوی)

در همه مراحل طلاق رعایت حدود و تقوی الهی بسیار تأکید شده است، چرا که تخلف از این مرزها ظلم به خود و دیگری است و نتایج نامطلوبی بر سازگاری با طلاق خواهد داشت. نتیجه رعایت تقوی نیز نجات از مشکلات و هموار شدن راه زندگی است^۱ (طلاق، ۳۲). در همین رابطه در روایات متعددی امر به آموختن احکام طلاق شده است. از امام صادق (ع) نقل شده است که اگر امر مردم به دست من بود (والی حکومت بودم) به ایشان کیفیت طلاق را می‌آموختم سپس اگر کسی مخالف می‌گردد با او برخورد می‌کردم (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۲ ص ۱۴). بنابراین رعایت اصل تقوی و حدود الهی یک مؤلفه مهم در طلاق است که اثر مستقیم بر سازگاری پس از طلاق دارد.

۳-۱. توجه به نظارت الهی بر طلاق (راهبرد معنوی)

توصیه اعتقادی تربیتی در قرآن توجه به نظارت الهی بر رفتار و حتی حالات درونی انسان‌ها است^۲ (بقره، ۲۸۴) که توجه به آن باعث رعایت بیشتر حقوق خداوند و حقوق سایر انسان‌ها می‌شود. با توجه به این که همسر نزدیکترین فرد به انسان بوده، فضای فیزیکی بین همسران نبوده و نوعی اتحاد روانشناختی با هم داشته اند^۳ (نساء، ۲۱)، هنگام طلاق توجه به نظارت الهی برای رعایت حقوق او بسیار مهم است. در این رابطه تعدی به حقوق مالی او، به نوعی ستم به خود می‌باشد^۴ (بقره، ۲۳۱). در آیات دیگر نیز در موقعیت طلاق بر اوصاف «سَمِيعٌ» و «عَلِيمٌ» بودن خدا تکیه می‌شود (بقره، ۲۲۷)، که

۱ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
۲ إِنْ تُبْذَوْا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوْهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ
۳ قَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ
۴ وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَلْعَقْدِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ

به این معناست خداوند سخنان شما را می‌شنود و از انگیزه طلاق و جدایی آگاه است و شما را بر طبق آن جزا می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۵۸).

۴-۱. توجه به ابعاد مثبت پنهان زندگی زناشویی و پذیرش همسر (راهبرد اخلاقی)

از راهبردهای مهم برای پیشگیری از طلاق، توجه دادن به همه ابعاد زندگی زناشویی و پذیرش کلی آن است. در این رابطه خطاب به مرد در قرآن آمده است که گاه نسبت به همسر بی میلی دارید در حالی همین همسر برای شما خیر زیاد دارد^۱ (نساء، ۱۹).

راهکارهای سازگاری پس از طلاق در قرآن (مؤلفه‌های قبل از طلاق) طلاق یک امر تدریجی و مرحله‌ای است. به همین دلیل می‌توان سازگاری پس از طلاق را در ارتباط با مراحل قبل از طلاق دانست. از مؤلفه‌های مهم سازگاری پس از طلاق از دیدگاه اسلامی، نحوه رفتار و مواجهه طرفین قبل از اقدام به طلاق است. اگر در مراحل قبل از تصمیم‌گیری برای طلاق، مرد و زن تلاش کافی برای جلوگیری از وقوع طلاق انجام داده باشند، حتی اگر مشکل منجر به طلاق شود، می‌توان سازگاری بهتری را پس از طلاق پیش بینی نمود. بنابراین آموزه‌ها و ضوابط اخلاقی در طلاق و سازگاری پس از طلاق را می‌توان به سه بخش قبل از طلاق، حین طلاق و بعد از طلاق تقسیم کرد. دین اسلام مرحله به مرحله راهکارهایی را برای مقابله با وقوع طلاق و سپس کاهش آسیب‌های طلاق و به تبع سازگاری با آن ارائه داده است.

۴-۲. پرهیز از شتاب زدگی (راهکار اخلاقی)

از مؤلفه‌های مهم در سازگاری پس از طلاق، طی درست مراحل تصمیم‌گیری برای طلاق است. شتاب‌زدگی برای تصمیم به طلاق بر سازگاری مناسب پس از طلاق، اثر

۱ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا.



منفی دارد، لذا لازم است همسران با پدیدار شدن اختلاف در رابطه، همه تلاش خود را برای حل مشکلات و نجات زندگی مشترک به کار گیرند تا اگر مجبور به تصمیم‌گیری برای طلاق شدند با اطمینان خاطر دست به این کار بزنند. دو هدف باید دنبال شود، اول کاهش تنش و نجات ازدواج و رابطه زوجین و خانواده از طلاق است. دوم ایجاد زمینه مناسب برای تصمیم‌گیری به طلاق که در سازگاری پس از طلاق اهمیت دارد. در صورتی که زوجین قبل از تصمیم به طلاق تلاش کافی برای نجات زندگی خود انجام نداده باشند به احتمال زیاد در تصمیم‌گیری دچار خطاء خواهند شد و نمی‌توانند مطمئن باشند که طلاق را به عنوان آخرین و بهترین راه حل انتخاب کرده‌اند. این تزلزل در تصمیم‌گیری و شک در آن بزرگترین مانع سازگاری پس از طلاق است. افراد باید به این اطمینان برسند که هیچ راهی برای ادامه زندگی مشترک نیست و تنها راه در پیش روی آنان طلاق است. با تشکیل زندگی مشترک، شارع وظایفی را برای هر یک از زوجین مقرر داشته است تا موازنه‌ای در نظام خانواده به وجود آید. از جمله اصل حسن معاشرت در برخورد با یکدیگر است^۱ (نساء، ۱۹) که از اصول مهم در روابط اعضای خانواده از دیدگاه قرآن است (سالاری فر، ۱۳۸۵، ص ۷۷).

۲-۲. سعی زوجین بر صلح و سازش در زندگی مشترک (راهکار اخلاقی)

قرآن به زنان و مردان توصیه کرده است که با گذشت و فداکاری به زندگی مشترک خود ادامه دهند و از اختلافات بپرهیزند و کانون خانواده را برای تربیت فرزندان آماده سازند. تعبیر موعظه در شرایط نشوز زن^۲ (نساء، ۳۴) و صلح در شرایط نشوز مرد^۳

۱ عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ.

۲ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً.

۳ وَ إِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزاً أَوْ إِعْرَاضاً فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحاً وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا.

(نسا، ۱۲۸) راهکاری برای برانگیختن زوجین به رفتارهای اخلاقی برای حل اختلاف است.

۲-۳. استفاده مناسب از اهرمهای حقوقی (راهکار حقوقی)

به نظر می‌رسد درجه‌ای از مداخلات حقوقی در مرحله سوم نشوز زن یعنی ضرب (نساء، ۳۴ و نیز مصالحه (نساء، ۱۲۸) را بتوان اهرمی حقوقی برای مرد دانست (سیدی بنایی و ندایی، ۱۳۹۷)

۲-۴. مشاوره و میانجی‌گری خانوادگی و مشاوره (راهکار اخلاقی)

اگر زن و شوهر برای رفع اختلافات خود کاری نتوانستند انجام دهند قبل از هر اقدام برای طلاق از دیگران، به‌خصوص خویشاوندان، کمک بگیرند. در قرآن نیز به نقش میانجی‌گری و مشاوره توصیه کرده‌است (نساء، ۳۵). روش حکمیت نوعی میانجی‌گری خانواده‌های طرفین در رفع اختلافات زناشویی است. نقش داوران هم در رفع مشکلات زناشویی و حفظ زندگی است و هم در نحوه طلاق به این معنا که اگر داوران به این نتیجه رسیدند که این زوج توانایی ادامه رابطه زناشویی خود را ندارند، نقش نظارت و حکمیت در نحوه جدایی با رعایت همه حقوق طرفین را دارند (فهرستی، ۱۴۰۱).

این روش در صورتی توصیه شده‌است که اختلاف در خانواده شدت گرفت و زوجین ناسازگاری، مخالفت و ترک وظایف را در پیش گرفتند و هر دو به‌جای جذب یکدیگر، دستخوش تدافع و گریز شدند که در قرآن به شقاق تعبیر شده‌است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱ ص ۳۵۱). این شیوه را می‌توان جلوه‌ای از حمایت خانوادگی و اجتماعی از زوجین در حال طلاق دانست (وطن خواه، ۱۳۹۷، ص ۶۸).

راهکارهای سازگاری پس از طلاق در قرآن (مؤلفه‌های حین طلاق)



گذر از مراحل طلاق می‌تواند به‌خاطر تنش‌هایی که در زوج و همچنین خانواده‌های ایشان ایجاد می‌کند با آسیب‌های فراوانی همراه گردد. قطعاً طلاق منطبق با موازین اخلاقی و حقوقی اثرات جانبی کمتری به‌همراه دارد و هر چه طرفین کمتر به یکدیگر در این مرحله آسیب وارد کنند، امکان سازگاری پس از طلاق برای ایشان بهتر فراهم خواهد شد. در این مورد نیز در قرآن سلسله‌مراتب رعایت شده‌است تا اگر باز هم امکان سازش بود رابطه به جدایی منجر نگردد. برخی از آسیب‌های طلاق به سبب تصمیمات شتاب‌زده است. به همین جهت احکامی برای پیشگیری از آن، در قرآن آمده‌است. مانند اینکه زن را در حال عادت ماهیانه نمی‌توان طلاق داد یا اینکه طلاق باید در پاکی زن که زن و شوهر در آن رابطه جنسی نداشته‌اند صورت پذیرد، همچنین حضور دو شاهد الزامی است (طلاق، ۲) یا در طلاق رجعی که امکان بازگشت برای زوج وجود دارد. سفارش شده که زن مطلقه تا پایان عده در منزل مشترک با همسرش زندگی کند تا اگر تصمیم بر اساس هیجانات زودگذر گرفته شده با فروکش کردن احساسات و به کارگیری تعقل و تفکر از تصمیم خود برگردند و سعی در رفع مشکل خود کنند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۲، ص: ۱۰۳).

۳-۱. جدایی شایسته و نیکو (راهکار اخلاقی)

زن و مرد زمان جدایی با سختی و کراهت از همدیگر جدا می‌شوند اما نباید اخلاق را زیر پا گذارند و خلاف مروت و صداقت عمل کنند. این توصیه اخلاقی را از عباراتی از قرآن می‌توان دریافت. تعبیر «سَرَّاحاً جَمِیلاً» که در دو آیه ۲۸ و ۴۹ سوره احزاب آمده‌است به طلاق بدون خصومت و نزاع بین زن و شوهر اشاره دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۵) دو تعبیر دیگر «تَسْرِیْحٌ بِإِحْسَانٍ» (بقره، ۲۳۱) و «سَرَخُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» (بقره، ۲۳۳) است.

تأکید بر تکریم شخصیت زنان در قرآن را می‌توان از آیات متعددی یافت. وقتی با موضوع کرامت زن به آیات نگریسته می‌شود، جایی که مسئله‌ی زن مطرح شده‌است، با

واژه‌ی (معروف) آمده است. حتی هنگامی که از طلاق صحبت می‌کند، می‌فرماید با زنان خود برخورد کریمانه و شایسته انجام دهید (بانکیپور، ۱۳۸۵). «معروف» در قرآن کریم فقط ۱۳ بار در مورد روابط خانوادگی آمده است (نرم افزار جامع التفاسیر نور نسخه ۳). بیشترین استعمال آن در حادثترین مرحله روابط زن و شوهر یعنی طلاق است. اصل قرآنی «معروف»، در تمام مراحل زندگی زناشویی در شرایط عادی و چه در شرایط بحرانی، معیار قرار داده شده است. حفظ ارزش‌های اخلاقی، تحت‌عنوان معروف «آنچه نفس سالم انسان به‌طور عموم می‌پسندد» است بر تکریم مقام زن دلالت دارد (قرآنتی، ۱۳۸۸، ص ۳۸۲).

همچنین از جمله مواردی که قرآن به احسان سفارش کرده، زمان طلاق دادن زن از جانب مرد است که برای ایجاد رفق و مهربانی، دور شدن از کینه‌ها و آفت قدرت‌طلبی، سفارش به احسان شده است؛ که در آن نوعی زیبایی‌طلبی و لطافت روحی نهفته است. زمانی که مرد به‌عنوان مدیر خانواده نتواند زندگی را به‌نحو مطلوب و شایسته هدایت کند و عوامل متعددی او را به‌سوی از هم پاشیدن خانواده سوق دهد، برای این تصمیم‌گیری نهایی، تنها رهایی خودش شایسته نیست. بلکه مسئولیتی که این پیمان مقدس برای او آورده ایجاب می‌کند که علاوه بر احساس رهایی خود، رضایت همسرش را نیز در این جدایی جلب نماید.

در سوره بقره آیه ۲۲۹ اشاره به گوشه‌ای از آزار و اذیت زنان به‌دست مردان در زمان طلاق دارد که خدا آن را منع کرده است (ملک زاده، ۱۳۸۶). تعبیرات «تَسْرِیحُ بِإِحْسَانٍ» (بقره، ۲۳۱)، «سَرَّخُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» (بقره، ۲۲۹) و «فَارْقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» (طلاق، ۲) نشانگر دو توصیه بنیادین هنگام جدایی زن و مرد است و به عبارتی طلاق زن مقید به «معروف» و «احسان» شده است.

امساک در لغت متضاد به‌معنای حبس کردن و در اصطلاح آیات، پیوستن بعد از گسستن و بازگشت بعد از جدایی است (ابن منظور، ۲۰۰۴، ج ۱۰، ص ۴۸۷). در آیاتی که از بازگشت مرد به زندگی زناشویی سخن می‌گوید، از دو لفظ امساک و معروف



استفاده شده است که در تقابل معنایی با دو لفظ تسریح (به معنای رها ساختن) و احسان است. همان گونه که زندگی مشترک باید روی اصول انسانی و شایسته و اخلاقی باشد جدایی نیز باید خالی از هرگونه نزاع، بدگویی، ناسزا، اجحاف و تضییع حقوق باشد. همان گونه که پیوندها با صلح و صفا انجام می گیرد، جدایی ها نیز با تفاهم همراه باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۶۸). قرآن در زمان طلاق از مرد توقع دارد که به خوبی و شایستگی زن را رها کند، یعنی حقوق شرعی او را ادا کند و روش پسندیده مردم، او را از حقوق خویش بهره مند سازد (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۴، ص ۲۷). بنابراین «امساک به معروف» و «جدایی به معروف» معنی وسیعی دارد که شرایط واجب و مستحب و برنامه های اخلاقی را در بر می گیرد (وطن خواه، ۱۳۹۷، ص ۶۱).

۳-۲. پرهیز از ضرر رساندن به یکدیگر (راهکار حقوقی)

طلاق نباید برای آسیب رساندن به طرف مقابل صورت پذیرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۸۱) قرآن با وضع قانون مانع از ضرر شده است (بقره، ۲۲۹).

۳-۳. پرهیز از دروغ گویی و پنهان کاری (راهکار اخلاقی)

قرآن از کتمان کاری و حق پوشی که در طلاق ممکن روی دهد رخ دهد، نهی می کند^۱ (بقره، ۲۲۸). تعبیر «مَا خَلَقَ» در آیه فوق دارای مفهومی وسیع است که شامل هر امر طبیعی مانند جنین و حیض می شود که تأثیر در مدت عده دارد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۱۴).

۳-۴. تأمین مسکن و هزینه های زن حین طلاق (راهکار حقوقی)

از مشکلات طلاق از دست رفتن محل سکونت است که به آسیب های فردی و اجتماعی بسیاری را برای زنان به بار می آورد. آیه بخشی از چگونگی عمل به تقوا در

۱ وَ لَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ.

مورد زنان صاحب عده را بیان می‌کند به این که آنان را در جایی از محل سکونت خود به‌قدر توانتان سکنی دهید^۱ (طلاق، ۶). با کوتاهی کردن در دادن سکونت و نفقه، به زن‌های مطلقه ضرر زنید تا آنان را در تنگنا قرار داده و به خارج شدن از خانه ناگزیر سازید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۰۱ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۴۷) در این مدت زن از نفقه معمول مانند خوراک و پوشاک برخوردار است (سبحانی، ۱۳۷۲، ص ۳۲۲).

۳-۵. پرداخت مهرالتمعه (راهکار حقوقی)

قرآن مردان را به پرداخت به هدیه زنان در زندگی مشترک و هنگام جدایی توصیه کرده است^۲ (بقره، ۲۳۶). این آیه در مورد طلاق زنانی است که مهرشان قبل از عقد، تعیین نشده و قبل از مباشرت و نزدیکی، طلاق صورت گرفته شده است. خداوند به مردان می‌کند که برای زنان هدیه‌ای مناسب در نظر گرفته شود. این هدیه اثر قابل ملاحظه‌ای در جلوگیری از حس انتقام‌جویی و رهایی زن از آسیب‌های روانی ناشی از گسستن پیوند زناشویی، دارد و آن را به روح نیکوکاری و احسان نسبت می‌دهد به این معنا که این عمل باید آمیخته با روح نیکوکاری و مسالمت باشد «حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ».

«مَعْرُوهٌ» به معنی هر چیزی است که انسان از آن بهره‌مند می‌شود و غالباً به مال و وجه نقد اطلاق می‌گردد. البته گاه هدیه از اجناس قابل استفاده مانند خوراک و پوشاک و نظایر آنکه هر چند کم‌قیمت، اثری در روح آن‌ها می‌گذارد که اگر آن را تبدیل به پول کنند، هرگز آن اثر را نخواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۰۱). پرداخت متاع معروف به زن هنگام طلاق، در زمانی که علقه زوجیت قطع شده و رابطه‌ای میان زن و مرد باقی نمانده، از جمله دستوراتی است که اسلام به مرد توصیه نموده است. هدیه دادن نقش کدورت زدایی و دلجویی دارد و تأثیر روانی آن بر زن شاید موجب بازگشت

۱ أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ.
۲ وَمَعْرُوهٌ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ.



او به زندگی مشترک گردد. در این صورت هدیه دادن حکم یک ضرورت اخلاقی را به خود می‌گیرد. امام‌باقر علیه‌السلام فرمود: این گونه زنان (طلاق داده شده) با وحشت و غصه و شماتت دیگران به خانه پدر بر می‌گردند و لذا باید به مقداری که توان دارید، با هدیه دل آنان را آرام کنید (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۷۵).

عبارت «مَتَاعاً بِالْمَعْرُوفِ حَقّاً عَلَى الْمُحْسِنِينَ» (بقره، ۲۳۶) پرداخت کالای معروف را که شایسته شئون زن باشد، برخاسته از احسان مرد معرفی می‌کند و از آنجا که مرد در وضع مذکور متعهد به پرداخت مهریه نیست، قرآن او را محسن می‌شمارد. از هم نشینی معروف و احسان در این آیه می‌توان برداشت کرد که عملی مورد نظر است که صبغه الهی داشته باشد (مهدوی کنی، ۱۳۸۸، ۱۹۶). البته آیه در مقام استحباب است که نوعی از احسان در باره مطلقات است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۹). هدیه مرد به زن را، امثال لباس، مواد غذایی و زمین زراعتی شمرده‌اند که در جهت تأمین ضروریات زندگی زن صرف شود. می‌توان گفت که اسلام در صدد ایجاد یک فضای اخلاقی و پشتوانه‌ای برای عمل به وظیفه حقوقی است و این آیه نشانه دقت قرآن در ایجاد فضای مسالمت‌آمیز و اخلاقی را نشان می‌دهد (احمدیه، ۱۳۸۰). در روایات معصومین «علیهم‌السلام» در رابطه با هدیه سفارش‌های بسیاری شده است. رسول‌الله ﷺ می‌فرمایند: «به یکدیگر هدیه بدهید، زیرا کینه‌ها را از بین می‌برد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۴۴).

۳-۶. رعایت حقوق مالی زن (راهکار حقوقی)

از آموزه‌های اخلاقی قرآن و روایات، در هنگام جدایی، پرداخت حقوق مالی زن توسط مرد است. مرد نباید برای پس گرفتن مهریه که به همسر خود پرداخت کرده است به او فشار وارد کند (طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۹، ص ۳۱۴). «و چگونه مهر آنان را خواهید گرفت؛ در حالی که هر کدام به حق خود رسیده‌اید و آن زنان عهد محکم از شما گرفته‌اند» (نساء، ۲۱). در روایات امامان معصوم نیز بر پرداخت مهریه تأکید شده

به‌گونه‌ای که نپرداختن مهریه زن از جمله گناهانی است که روز قیامت مورد بخشش قرار نمی‌گیرد. امام‌صادق (علیه‌السلام) از پیغمبر اکرم ﷺ نقل کرده است که خداوند هر گناهی را در روز قیامت می‌بخشد مگر مهریه زن را که اگر نداده باشند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱ ص ۲۶۶). مرد به‌مجرد طلاق، نمی‌تواند بدون احساس مسئولیت یا بی تفاوت به زن باشد یا از پرداخت حقوق او امتناع ورزد. علاوه بر این، زنی که بعد از صیغه عقد ازدواج و قبل از زندگی زناشویی متارکه نموده، شرایطی متفاوت با فردی خواهد داشت که بعد از ورود به زندگی مشترک طلاق داده‌شده است. به‌طوری‌که در یکی رضایت زن و در دیگری احسان به زن، توصیه شده است. (وطن خواه، همان ص ۸۱).

۷-۳. فراهم کردن فرصتی برای پشیمانی، صلح و بازگشت (راهکار حقوقی)

گاه در اثر عوامل مختلف، شرایط روانی طوری است که تشدید اختلافات حس انتقام را آن چنان شعله‌ور می‌سازد که فروغ عقل و وجدان را خاموش می‌کند. گاه مدتی بعد از این کشمکش‌ها فضا آرام می‌شود و در نتیجه زن و مرد بینش پیدا میکنند و از طلاق پشیمان می‌شوند. قرآن به دلایلی متعددی مقرر کرده است که زنان بعد از طلاق مدتی عده نگه‌دارند (بقره، ۲۲۸). ممکن است در این دوره هیجان‌ها فروکش کند و فرصتی برای بازگشت فراهم شود. به‌ویژه، توصیه به خارج نشدن زن از خانه در طول مدت عده، تفکر را در زن و مرد برمی‌انگیزد تا در بهبود روابط تلاش کنند: «آنان را از منزلشان خارج نسازید... چه می‌دانید شاید خدا گشایشی رساند و صلحی پیش آید» (طلاق، ۱).

حضور در مکان زندگی موجب به‌خاطر آوردن لحظات گرم و شیرین قبل از طلاق می‌شود و گاه مهر و صمیمیت از دست رفته را باز می‌آورد و فروغ ضعیف گشته محبت را تقویت می‌کند. در ادامه آیه در مورد دو بار طلاق آمده است: «در هر یک از این دو بار یا باید همسر خود را به‌طور شایسته نگاهداری کند و آشتی نماید، یا با نیکی او را رها سازد و برای همیشه از او جدا شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲ ص ۱۶۷).



مؤلفه‌های سازگاری یس از طلاق

۴-۱. امید به رحمت الهی (راهکار معنوی)

مهم‌ترین مسئله برای زوجین بعد از جدایی، بلا تکلیفی و احساس تنهایی است. آنان گاه در شرایط حاد، از ادامه زندگی ناامید می‌شوند. از نگاه منابع اسلامی، ناامیدی بزرگ‌ترین گناه شمرده می‌شود که افراد را از آن نهی نموده‌اند. امام علی (علیه‌السلام)، می‌فرماید: بزرگ‌ترین، بلا ناامیدی است (آمدی، ۱۳۷۵، ج ۳، ح ۲۸۶۰). اگر زن و شوهر به هر دلیل کارشان به طلاق انجامد، خداوند به زن و مرد مطلقه امید می‌دهد که وسعت و راحتی پس از جدایی روزی شان خواهد شد^۱ (نساء، ۱۳۰). آیه فوق بر این دلالت دارد که خدای تعالی مرد و زن مطلقه را با فضل و وسعت خود بی‌نیاز می‌کند. منظور از بی‌نیاز کردن، امور مربوط به ازدواج است؛ از جمله بی‌نیازی مالی، جنسی و روانی است (طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۲۳۰) همان گونه که این وعده در ازدواج نیز در قرآن داده شده است^۲ (نور، ۳۲).

۴-۲. توکل بر خداوند (راهکار معنوی)

توکل بر خدای متعال و باور به اینکه طلاق پایان‌کار نیست و باز همین خداوند است که تقدیر را رقم می‌زند می‌تواند در ایجاد آرامش و رفع احساس تنهایی مؤثر باشد (طلاق، ۴-۱).

۴-۳. پرهیز از ممانعت در ازدواج مجدد همسر سابق (راهکار اخلاقی)

پس از طلاق ممکن است کسانی بکوشند با حیل‌های گوناگون مانع از ازدواج مجدد آنان با همسر سابقشان شوند. این کار غیر اخلاقی است و با قوانین شرع ناسازگار است. در قرآن آمده است که اگر زن مطلقه قصد ازدواج با همسر سابقش را داشت کسی نباید

۱. إِنَّ يَفْقَرُا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَ كَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا.

۲. وَ اتَّخِذُوا الْآيَامَ مِنْكُمُ الصَّلَاتِ الْحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

او را منع کرد^۱ (بقره، ۲۳۲). البته گاه اطرافیان زن و مرد به این نکته توجه ندارند و با سرزنش‌های نابجا آنان را از زندگی دلسرد می‌کنند که این کار نادرستی است (وطن خواه، ۸۸).

۴-۴. توافق بر سر تشکیل مجدد زندگی مشترک (راهکار اخلاقی)

شرط دیگری که در آیه ۲۳۲ سوره بقره قید شده، تراضی بر معروف است. «إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُم بِالْمَعْرُوفِ» فعل «تراضوا» و ظرف «بَيْنَهُم» رضایت دوجانبه‌ای را می‌رساند که در آن هیچ‌گونه تحمیل و اکراه نباشد. مراد از تراضی به معروف بین زن و شوهر این است که آن دو قصد ازدواج و ثواب بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر داشته باشند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲ ص ۵۸۳). در توافق طرفین، والدین و خویشان آنان نباید دخالت کنند و آزادی زن و مرد را سلب کنند (بقره، ۲۳۲). نظارت و دخالت دیگران نباید بیش از حد تراضی زن و مرد و نگرهبانی قانون و معروف باشد. نظارت بر ادای حقوق، بر اساس اجازه شرع و عرف است (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶ق، ج ۱ ص ۲۸۵).

۴-۵. ازدواج مجدد (راهکار حقوقی)

از عادات و روش‌های دوران جاهلیت عرب و دیگر ملل این بود که از ازدواج مجدد زنان جلوگیری می‌کردند یا به او حق انتخاب شوهر نمی‌دادند (پروین و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۴۵). قرآن زنان را برای انتخاب همسر، به شرط بلوغ، رشد و تشخیص مصلحت و مسئولیت آزاد گذاشته است^۲ (بقره، ۲۴۰ و ۲۳۴). این که همواره بعد از طلاق نمیتوان ازدواج موقعی داشت، درست نیست بلکه ممکن است زوجین با ازدواج دوباره به راحتی و گشایش دست یابند (نساء، ۱۳۰). خداوند در خطاب به برخی همسران پیامبر ﷺ که او را آزرده کردند فرمود «اگر پیامبر، شما را طلاق گوید، امید است پروردگار

۱ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُم بِالْمَعْرُوفِ.
۲ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ.



همسرانی بهتر از شما: مسلمان، مؤمن، فرمانبر، توبه‌کار، عابد، روزه‌دار، بیوه و دوشیزه به او عوض دهد.» (تحریم، ۵).

۴-۶. رعایت حقوق فرزندان بعد از طلاق (راهکار حقوقی)

طلاق برای فرزندان، آسیب‌هایی به دنبال دارد و زمینه بروز اختلالات رفتاری و روانی در آنان است و زندگی فردی و اجتماعی آنان را به مخاطره می‌اندازد. قرآن به زنان و مردان توصیه می‌کند که بعد از جدایی، شرایط مناسبی برای رشد جسمی و روانی فرزندان فراهم سازند. «(در کار فرزند) میان خود به نیکی مشورت و سازش کنید...» (طلاق، ۴). «انتمروا» در آیه، به معنای مشورت کردن در باره کاری، خطاب به زن و مرد است که در مورد فرزند خود مشورت کنید تا به‌نحوی پسندیده و عادی به توافق برسید؛ به‌طوری‌که هیچ‌یک از شما و فرزندان متضرر نشوید؛ نه مرد با دادن اجرت زیاده‌تر از حد معمول متضرر شود و نه زن با کمتر گرفتن و نه فرزند کمتر از دو سال از شیر مادر محروم گردد (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۹، ص ۳۱۷).

۴-۷. لزوم پرداخت هزینه زندگی زنان مطلقه باردار تا هنگام زایمان (راهکار حقوقی)

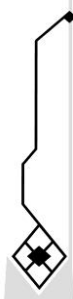
از آموزه‌های حمایتی اسلام از زنان مطلقه پرداخت نفقه یا هزینه‌های زندگی زنان مطلقه باردار تا هنگام زایمان است که تأثیر مهمی در سازگاری با طلاق دارد: «[زنان مطلقه].. اگر باردار باشند، نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند؛.... آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدستند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند؛...» (طلاق، ۶ و ۷). در آیه تصریح شده که هر کس به‌اندازه وسع خود از آنچه خداوند به او روزی داده است برای همسر مطلقه باردار خود هزینه کند که این کار به نفع زن است و برای او آرامش و امنیت در دوران بارداری فراهم می‌کند و هم به نفع فرزند تا بدون اضطراب و تنش مادر در رحم رشد و نمو کند.

۸-۴. رعایت حقوق شیرخوارگان (راهکار حقوقی)

از جمله احکام حقوقی پس از طلاق که موجب کاهش آسیب به زنان و کودکان می‌شود احکام مربوط به نگهداری از فرزند و هزینه‌های آن است. یک از موضوعاتی که در مدیریت روابط پس از طلاق مورد توجه بوده است، نحوه تعامل زن و مرد برای شیر دادن به نوزاد می‌باشد. هر چند زن و مرد تصمیم به طلاق گرفته باشند ولی خداوند برای جلوگیری از تضییع حق فرزند توصیه‌هایی دارد: «و مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند، البته آن کسی که خواهد فرزند را شیر تمام دهد؛ و به عهده صاحب فرزند است (یعنی پدر) که خوراک و لباس مادر را به‌حد متعارف بدهد، هیچ‌کس را تکلیف جز به اندازه طاقت نکنند». (بقره، ۲۳۳). قرآن علاوه بر تأمین معاش مادی خانواده به روزی معنوی و تربیتی آنان نیز توجه کرده است. پدر با تأمین نیازهای عاطفی مادر و ابراز علاقه به او زمینه رشد کودک را نیز فراهم می‌نماید. مادری که با آرامش به تربیت فرزندان خود بپردازد فرزندان به جامعه تحویل خواهد داد که در وضعیتی متعادل قرار دارند. در صورتی که پدر و مادر با هم توافق کنند، می‌توانند برای تغذیه کودکشان دایه‌ای انتخاب نمایند (طلاق، ۶) مشروط بر این‌که این امر سبب از بین رفتن حقوق مادر نشود بلکه حق او نسبت به مدتی که شیر می‌دهد، طبق عادت و عرف پرداخته شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲ ص ۱۸۹). این حق می‌تواند ناظر بر جنبه مادی، معنوی و روانی باشد؛ و بعضی آن را ناظر به حق دایه دانسته و گفته‌اند باید حق او طبق عرف و عادت پرداخت شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۸۱).

۹-۴. حمایت مالی از زن مطلقه (راهکار حقوقی)

در نهایت در اسلام به‌جهت رها نشدن زنان مطلقه در مشکلات مالی و به‌تبع آن دچار شدن به آسیب‌های گوناگون فردی و اجتماعی، نفقه زن مطلقه‌ای که توانایی تأمین هزینه‌های زندگی خود را ندارد به عهده پدر آن زن گذاشته شده است. این حکم حداقل حمایت خانواده مبدأ از فرزند مطلقه خود است. اسلام در صدد است که این زن، از



حمایت مالی و عاطفی خانواده خود بهره‌مند گردد و فرصت کافی داشته‌باشد تا بتواند راهی برای استقلال بیابد. البته این حکم شامل پدربزرگ زن در صورت مرگ پدرش می‌شود.

«نفقة اولاد به عهده پدر است و پس از فوت پدر یا عدم قدرت او بر انفاق، به عهده پدربزرگ پدری است؛ و در صورت عدم پدر و اجداد پدری یا عدم قدرت آنها نفقه به عهده مادر است و هر گاه مادر زنده نباشد به عهده پدربزرگ مادری و مادربزرگ مادری و همچنین مادر بزرگ پدری است که در فرض آخر اگر بیش از یک نفر باشند به‌طور مساوی نفقه بین آنها تقسیم می‌شود» (حقوق مدنی جمهوری اسلامی، ماده ۱۱۹۹).

۱۰-۴. استقلال در انتخاب همسر (راهکار حقوقی)

نکته قابل تأمل دیگر اینکه این زن در ازدواج مجدد نیازی به اذن ولی ندارد و ، در انتخاب همسر جدید مستقل خواهد بود (خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص: ۲۵۴).

نتیجه‌گیری

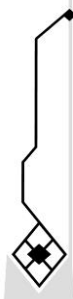
هر چند آموزه‌های اسلام تأکید بسیار زیادی بر حفظ خانواده و نکو.هش طلاق کرده است، طلاق را به عنوان راهکاری بهنجار در روابط طبیعی انسانی می‌پذیرد. از اینرو در مرحله اول دین اسلام با ارائه مجموعه‌ای از قوانین فقهی و توصیه‌های معنوی و اخلاقی سعی در حفظ زندگی مشترک زن و شوهر دارد. اگر زن و شوهر با طی مراحل حمایتی نتوانند به آرامش در رابطه مشترک دست یابند، دین اسلام با ارائه راهکارهای معنوی، اخلاقی و حقوقی سعی دارد بدون اینکه حقی از زن و مرد سلب شود یا به یکدیگر آزار برسانند، به‌تدریج و بر اساس یک برنامه مشخص در مسیر جدایی قرار گیرند.

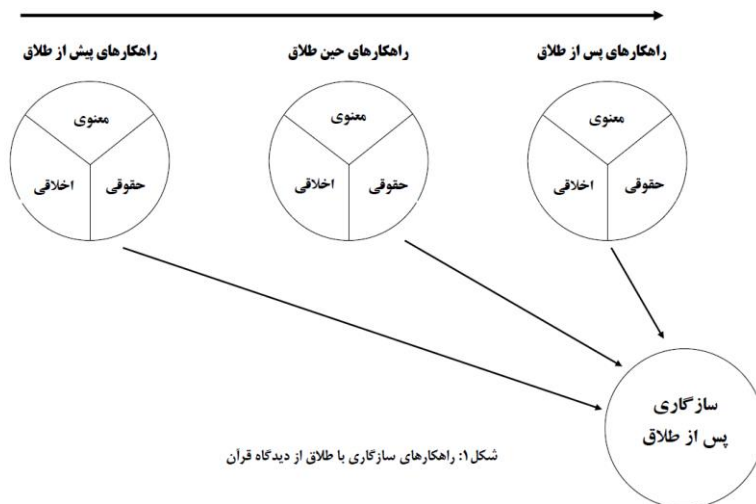
اولین دسته از این راهکارها معنوی و عبارت است از: رعایت مرزهای تقوی و حدود الهی، توجه به نظارت الهی بر طلاق، امید به رحمت الهی، توکل بر خداوند. ایمان به خداوند شنوا و دانا در همه احوال و مراحل طلاق در انجام رفتار عادلانه و خودداری از ستم به دیگر بسیار مؤثر است. راهکارهای حقوقی عبارت است از: استفاده مناسب از اهرمهای حقوقی، وضع عده و توصیه به ماندن زن و شوهر در یک خانه در طلاق رجعی، پرهیز از ضرر رساندن به یکدیگر، تأمین مسکن و هزینه‌های زن حین طلاق، پرداخت مهرالتمعه، رعایت حقوق مالی زن، فراهم کردن فرصتی برای پشیمانی، صلح و بازگشت، ازدواج مجدد، رعایت حقوق فرزندان بعد از طلاق، لزوم پرداخت هزینه زندگی زنان مطلقه باردار تا هنگام زایمان، رعایت حقوق شیرخوارگان، حمایت مالی از زن مطلقه، استقلال در انتخاب همسر.

راهکارهای اخلاقی عبارت است از: توصیه به طلاق در شرایط نزاع شدید و حل نشدنی، توجه به ابعاد مثبت پنهان زندگی زناشویی و پذیرش همسر پرهیز از شتابزدگی، سعی زوجین بر صلح و سازش در زندگی مشترک، مشاوره و میانجی‌گری خانوادگی، جدایی شایسته و نیکو، پرهیز از دروغ‌گویی و پنهانکاری، پرهیز از ممانعت در ازدواج مجدد همسران سابق، توافق بر سر تشکیل مجدد زندگی مشترک.

این یافته همسو با تحقیق سودانی و همکاران (۱۳۹۶) است که نقش اعتقادات مذهبی و رعایت اخلاق در فرایند بهبود مشکلات بعد از طلاق را نشان داده‌است. باستانی و همکاران (۱۴۰۲) نیز نقش تعالی و پیوند با معنویت و حمایت‌های مالی از زنان مطلقه برای کسب استقلال را نشان دادند.

در نتیجه اگر توصیه‌های قرآنی در همه مراحل جدایی رعایت گردد، سازگاری بهتری برای زنان و مردان بعد از طلاق محقق خواهد شد. شکل ۱ طرح کلی از راهکارهای طلاق از دیدگاه قرآن را نشان می‌دهد.





منابع

*قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۲۰۰۴م)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۲. احمدیه، مریم، (۱۳۸۰)، خانواده، معروف، مساوات، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۱.
۳. افشاری، فرح. (۱۳۸۸)، بررسی اثر بخشی آموزش گذشت بر سازگاری با طلاق زنان مطلقه شهر اهواز، پایان نامه دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.
۴. آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۷۵)، غررالحکم و دررالکلم، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۵. باستانی، سهیلا؛ سودانی، منصور؛ غلامزاده جفره، مریم (۱۴۰۲)، سازگاری با طلاق: تأملی بر تجربه زیسته زنان مطلقه از سازگاری با طلاق، زن و جامعه، سال چهاردهم - شماره ۲، ص ۱۴۵ تا ۱۵۶.
۶. بانکی پور فرد، امیر حسین (۱۳۸۵)، کرامت زن در اندیشه‌های قرآنی پیامبر اعظم ﷺ مجله قرآنی کوثر، شماره ۲۰، ص ۴۰-۴۳.
۷. بلالی، طیبیه؛ اعتمادی، عذرا؛ فاتحی زاده، مریم السادات (۱۳۹۰)، بررسی رابطه عوامل روانشناختی و جمعیت شناختی پیش بینی کننده سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه شهر اصفهان، فرهنگ مشاوره و روان درمانی (فرهنگ مشاوره)، ۲(۵)، ۲۹-۵۳. [SID. https://sid.ir/paper/214051/fa](https://sid.ir/paper/214051/fa)
۸. پروین، جلیل؛ نوری خسروشاهی، پریا؛ مهدوی راد، محمدعلی؛ صفری، علی (۱۴۰۰)، مطالعه تطبیقی طلاق در فرهنگ جاهلیت و قرآن با تکیه بر بسترهای معرفتی، پژوهش نامه قرآن و حدیث، پیاپی ۲۸ (بهار و تابستان)، ص ۴۵-۷۳.

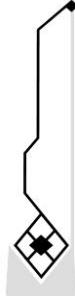


۹. جان بزرگی، مسعود (۱۳۷۸)، بررسی اثربخشی روان درمانی کوتاهمدت «آموزش خودمهارگری» با و بدون جهت‌گیری مذهبی (اسلامی) بر مهار اضطراب و تنیدگی، پایان نامه دکتری روان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت‌مدرس.
۱۰. جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم، [بی تا]، آیات الاحکام جرجانی، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت (ع).
۱۱. جر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیه‌السلام) احیا التراث.
۱۲. خالقی دهنوی، فریبا؛ یزدخواستی، فرزانه (۱۳۹۳)، پیش‌بینی‌کنندگی سبک زندگی براساس نگرش مذهبی و تعهد اخلاقی در افراد دارای تجربه طلاق و افراد بدون تجربه طلاق، روانشناسی و دین، ش ۲۶، ص ۹۹-۱۱۱.
۱۳. خمینی، سید روح‌الله موسوی (۱۴۰۹ق)، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعات دار‌العلم.
۱۴. رئیسی‌پور، حفیظ‌الله (۱۳۸۶)، اثر بخشی آموزش نگرش مذهبی بر سلامت روان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی: پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی عمومی.
۱۵. سالاری‌فر، محمد رضا؛ شجاعی، محمد صادق؛ موسوی اصل، سید مهدی؛ دولتخواه، محمد (۱۳۹۳)، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، قم: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. سالاری‌فر، محمد رضا (۱۳۸۵)، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، قم: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. سبحانی، جعفر (۱۳۷۲)، نظام الطلاق فی الشریعه الاسلامیه الغراء، قم: مؤسسه الامام‌الصادق (ع).
۱۸. سبزواری نجفی، محمد (۱۴۰۶)، الجدید فی تفسیر القرآن‌المجید، دارالتعارف للمطبوعات.

۱۹. صدرالاشرفی، مسعود؛ خنکدار طاوسی، معصومه؛ شمخانی، اثر در؛ یوسفی افراشته، مجید (۱۳۹۱)، آسیب شناسی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیشگیری از آن، مهندسی فرهنگی، ش ۷۲ و ۷۳.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۰۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۵)، تفسیر جوامع الجامع، ترجمه اکبر غفوری. مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۲. ----- (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۲۳. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
۲۴. عسگری، حسین (۱۳۸۰)، نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی و طلاق، تهران: گفتگو.
۲۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم: جامعه مدرسین.
۲۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.
۲۷. فهرستی، زهرا؛ اکبری زیارانی، مرتضی؛ وزیر، مجید (۱۴۰۱)، راهکارهای قرآنی فقهی پیشگیری از آسیب اجتماعی طلاق و تاثیر آن بر سلامت اجتماعی، قرآن و طب، ش ۲۲، ص ۶۷-۷۶.
۲۸. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق) T الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۰. لانگ، لین ال؛ یانگ، مارک ای. (۱۳۹۶)، مشاوره و درمان برای زوجین، ترجمه مسعود اسدی، علی محمد نظری، جواد خدادادی و کبری ناموران، تهران: آوار نور.



۳۱. مستقیمی، مهدیه سادات، (۱۳۸۸)، ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق در سه حوزه اصول فقه، تفسیر و زبان‌شناسی، مطالعات راهبردی زنان، ش ۴۳.
۳۲. مصباح‌یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴)، فلسفه اخلاق، تهران: امیر کبیر، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۳۳. مکارم‌شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. ملک‌زاده، فهیمه (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی مسئله طلاق، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۸.
۳۵. مهدوی کنی، صدیقه (۱۳۸۸)، ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن (رویکردی معناشناختی)، تهران: دانشگاه امام‌صادق.
۳۶. میرزا زاده، فاطمه؛ فاتحی زاده، مریم سادات (۱۳۹۱)، تأثیر درمان هیجان مدار بر سازگاری پس از طلاق در زنان، مشاوره و روان درمانی خانواده، دوره ۱، ش ۴، ص ۴۴۱-۴۶۰.
۳۷. نظری فر، محسن؛ سودانی، منصور؛ خجسته، مهر رضا؛ فرهادی راد، حمید (۱۳۹۶)، تبیین عوامل مؤثر در سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه: یک پژوهش کیفی، تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۶ (۴). ص ۴۷۷-۴۹۲.
۳۸. وحیدی، محمد (۱۳۸۵)، احکام خانواده ۲، قم: قدس.
۳۹. وطن خواه، مریم (۱۳۹۷)، آموزه‌های اخلاقی در فرآیند طلاق از منظر قرآن و روایات، اصفهان: پایان نامه سطح سه حوزه علمیه خواهران نجف‌آباد.
۴۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۳)، تفسیر راهنما، تهران: مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
۴۱. سیدی بنایی، سید باقر؛ ندایی، میثم (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی تبیین نشوز زوجه و نشوز زوج در مبحث حقوقی و فقهی، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، سال اول، ش ۳، ص ۴۲-۶۲.



اقتضائات ایجاد تحول اخلاقی در جوانان از چشم اندازه آموزه‌های اسلامی و دانش روان‌شناسی

علی احمد، پناهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۷

چکیده:

دوره جوانی از دوره‌های مهم و سرنوشت ساز در گستره حیات انسان است. اقتضای ارتباط و تعامل مؤثر با جوانان و اقتضای ایجاد تحول اخلاقی در آنان، آگاهی از ویژگی‌های این دوره و آگاهی با راهکارهای ارتباط مؤثر با آنان است. هدف پژوهش پیش‌رو تبیین ویژگی‌های دوره جوانی و راهکارهای ارتباط مؤثر و سازنده با آنان از چشم‌انداز اسلام و دانش روان‌شناسی است. پرسش اساسی این است که ویژگی‌های دوره جوانی چیست و اقتضائات ایجاد تحول اخلاقی در آنان کدام است؟ در پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شده و کوشش شده به تبیین اقتضائات ایجاد تحول اخلاقی در جوانان از چشم اندازه آموزه‌های اسلامی و دانش روان‌شناسی پرداخته شود. از تتبع و ژرف اندیشی در آموزه‌های اسلامی، دانش روان‌شناسی، دانش ارتباطات و تحقیقات میدانی مرتبط، می‌توان ادعا نمود که دوره جوانی از دوره‌های مهم و سرنوشت‌ساز و دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است و لازمه ایجاد تحول اخلاقی در آنان، برخورداری از ویژگی‌های شخصیتی و مهارتی ویژه است. مهم‌ترین اقتضائات ایجاد تحول اخلاقی در جوانان عبارتند از: ۱. برخورداری از ویژگی‌های ظاهری مناسب؛ ۲. گشاده‌رویی؛ ۳. صمیمیت؛ ۴. همدلی؛ ۵. توجه به تفاوت ادراکی و علایق افراد؛ ۶.

۱. استادیار گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: apanahi@rihu.ac.ir

بهره‌گیری حداکثری از یادگیری الگویی؛ ۷. برخورداری از سعه صدر و تاب‌آوری
حداکثری و در نهایت ۸. تخلّق به اخلاق و منش اسلامی.
واژگان کلیدی: جوانی، تعامل‌سازنده، تحول اخلاقی، اقناع اندیشه، تاب‌آوری، صمیمیت،
الگوپردازی



دوره جوانی که از اواخر دهه دوم و یا اوایل دهه سوم آغاز می‌شود و تا اواخر دهه چهارم ادامه دارد، از دوره‌های مهم زندگی است (سانتراک، ۲۰۱۱م، ص ۱۵-۱۷). دوره جوانی دوره درخشندگی و فروغ زندگی است؛ دور سرور و شادمانی و دوران قوت و قدرت است^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۴۴۶؛ تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۱۴). در آموزه‌های اسلامی بر مراقبت از این دوره و بسترسازی برای تحول اخلاقی و تربیتی، تاکید شده است^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۷۵). دوره جوانی از سرنوشت سازترین دوره‌های زندگی به حساب آمده است؛ به‌گونه‌ای که در روز رستاخیز از کیفیت سپری شدن این دوره از حیات به طور ویژه بازخواست می‌شود^۳ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۳۹). دوره جوانی، دارای ویژگی‌های شخصیتی، اخلاقی، معنوی و روان‌شناختی ویژه است. دل جوان، نرم‌تر از دل کهنسال است^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۲۸۰) و زمینه پذیرش و همراهی در او مضاعف است^۵ (فریدتنگابنی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۴۹). جوانان آمادگی بیشتری به دریافت و پذیرش هنجارها و نیکی‌ها دارند^۶ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۹، ص ۲۳۶). عواطف جوانان افراطی و طرز تفکر آنان آرمان‌گرایانه است (دبس، ۱۳۷۵، ص ۱۰۹ و ۱۸۵). جوان، طبع مسرت‌آمیز و زیبایی دارد و توجه به آینده و تفکر درباره آن او را به حالت شادی و غرور سوق می‌دهد (کوچتکف، ۱۳۶۹، ص ۱۷۵). داشتن روحیه انتقادی، تشخص‌طلبی، هویت جویی، نوگرایی و تنوع‌طلبی (قائمی، ۱۳۸۱، ص ۸۳-۷۲) و باریک‌بینی و تیزفهمی، از ویژگی‌های دوره جوانی است. حضرت علی(ع) می‌فرماید: هرگاه در مسئله‌ای محتاج مشورت شدی، آن را به جوانان

۱. ان الشاب الحسن الخلق مفتاح للخير و مغلاق للشر . شینان لا یعرف فضلها الا من فقدوها الشباب و العافیة.

۲. إغتنم خمسا قبل خمس: شبابك قبل هرمك.

۳. لا تزول قدما عبد يوم القيامة حتى يسأل عن أربع عن عمره فيما أفناه و شبابيه فيما أبلاه...

۴. قلب الشاب أرق من قلب الشيخ.

۵. أوصيكم بالشبان خيرا، فإنهم أرق أفئدة. إن الله بعثني بشيرا و نذيرا، فخالفتي الشبان و خالفتي الشيوخ.

۶. عليك بالاحداث فانهم اسرع الى كل خير.



عرضه کن؛ چرا که آنان با فراست‌تر و تیزفهم‌ترند ۱ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۳۷). جوان گرچه به ظاهر فردی متهور و بی‌باك و قدرت‌مند است ولی در عین حال، گاهی دچار ترس‌های متعددی است که زندگی او را تاریک می‌کند و دامنه این ترس‌ها به گستره دیگر زندگی نیز کشیده می‌شود. پرسش اساسی این است که راهکارهای ارتباط و تعامل مؤثر و سازنده با جوانان از چشم انداز آموزه‌های اسلامی و دانش روان‌شناسی چیست؟ در مقاله پیش‌رو تلاش شده به این پرسش اساسی پاسخ داده شود.

با تتبع و مطالعه‌ای که در رابطه با پیشینه موضوع انجام گرفت این نتیجه حاصل شد که بحث مستقل و مستوفایی در رابطه با موضوع پیش‌رو صورت نگرفته است و در برخی مقالات و کتاب‌ها، فی الجمله مطالبی بیان شده است. برخی از کتاب‌ها و پژوهش‌هایی که به نظر می‌رسید ارتباط بیشتری با موضوع دارند عبارتند از:

۱. سانتراک، جان^۲ (۲۰۱۱م) در کتاب روان‌شناسی رشد در گستره زندگی، به برخی از ویژگی‌های دوره جوانی اشاره نموده است.

۲. پناهی، علی احمد (۱۳۸۶) در کتاب جوانی فصل شکفتن، برخی از ویژگی‌های شخصیتی جوانان را از نگاه دینی تبیین کرده است.

۳. دایان، ای، پاپالیا، سالی و ندکاس آلدز، روت داسکین فلدمن (۱۳۹۱)، در کتاب روان‌شناسی رشد و تحول انسان، به ویژگی‌های دوره‌های زندگی اشاره نموده است.

۴. بناری، علی‌همت (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «اصول فرزندپروری در سبک زندگی اهل بیت^{علیهم‌السلام}» به برخی اصول تعامل با نوجوان و جوان اشاره نموده است.

۵. پودینه، لیل؛ جنابادی، حسین و پورقاز، عبدالوهاب (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های انضباطی با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان» به تبیین برخی از ویژگی‌های تعامل با مخاطب پرداخته است.

۱. إِذَا احْتَجَّتْ إِلَى الْمَشُورَةِ فِي أَمْرٍ قَدْ طَرَأَ عَلَيْكَ فَاسْتَبَدَّهِ بَدَايَةُ الشُّبَّانِ؛ فَإِنَّهُمْ أَخَذُوا أَنْهَانَا وَ أَسْرَعَ خَدَّسَا.

2 . Santrock, John

پژوهش حاضر از تحقیقات بنیادی- نظری است و از روش توصیفی- تحلیلی بهره می‌گیرد. در این پژوهش از طریق رجوع به اندیشه‌های انسان‌شناختی، آموزه‌های اسلامی، آموزه‌های روان‌شناختی مرتبط، علوم تربیتی و مطالعات میدانی مرتبط، تلاش شده به اهمیت دوره جوانی، ویژگی‌های دوره جوانی و راهکارهای ارتباط تبلیغی مؤثر با جوانان پرداخته شود.

اقتضائات ایجاد تحول اخلاقی در جوانان

راهکارهای ایجاد تحول اخلاقی در جوانان، باید همتراز و متناسب با ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی آنان باشد. سبک تربیت و ارتباط سازنده، به معنای منظومه‌ای از بازخوردها، نوع تعامل و چارچوب‌های مربیان نسبت به مخاطب (دسجاردینز^۱ و همکاران، ۲۰۰۸م) و به معنای روش‌های به‌کارگیری توانایی‌ها در حوزه تربیت (استرنبرگ^۲، ۲۰۱۱م)، از ضرورت‌های شکل‌گیری ویژگی‌ها و کنش‌ورهای شناختی و رفتاری بهنجار در جوانان است. آشنایی مربیان و والدین با ویژگی‌های دوره جوانی باعث دقت، واقع بینی و ارتباط منطقی با جوانان می‌شود (لی^۳ و همکاران، ۲۰۱۲م). آمادگی و مهارت‌های مربیان و والدین در ایجاد فضای ارتباطی و عاطفی-روان‌شناختی مناسب، از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تحول شخصیت و ویژگی‌های رفتاری متربیان است (فلاحی و همکاران، ۲۰۱۴م). پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که مهم‌ترین عناصر در تحول رفتارهای برونی‌سازی شده متربیان متأثر از شیوه تربیتی مربیان است (رنر^۴، ۲۰۱۲م و گودمن^۵ و همکاران، ۲۰۱۱م). آشنایی با فرایند و روش‌های تربیت و کاربست آن در فرایند آموزش و پرورش متربیان، باعث افزایش کارآمدی مربیان در

-
1. Desjardins, J.
 2. Sternberg, J. R.
 3. Lee, P. C.
 4. Renner, L. M.
 5. Goodman, S. H.



ایجاد تحول و تسهیل فرایند پرورش می‌شود (واندل‌هاسلت و دی ریت^۱، ۲۰۱۲م). افرادی که از دانش و مهارت کافی برخوردارند، می‌توانند چالش‌های پیش‌رو را به فرصت تبدیل کنند (اسپیکتور^۲، ۲۰۰۶م). بسیاری از روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت، در رابطه با ایجاد تحول در ویژگی‌های آموزشی و تربیتی مخاطب بر موضوعاتی تأکید کرده‌اند که در بین آنها نقش مربیان و شیوه تربیتی و ارتباطی اتخاذ شده، از متغیرهای شاخص در تحقق اهداف تربیتی است (ویلسون^۳ و همکاران، ۲۰۰۷م). اسلان^۴، ۲۰۱۱م و رادینو^۵ و همکاران، ۲۰۱۳م، اذعان می‌کنند که اتخاذ سبک ارتباطی و تربیتی مناسب، می‌تواند پیامدهای مثبت در ویژگی‌های رفتاری و روان‌شناختی جوانان به دنبال داشته باشد (لیب^۶ و دیگران، ۲۰۰۷م). مهم‌ترین نکاتی که با توجه به ویژگی‌های دوره جوانی باید در ارتباط با فعالیت فرهنگی و مربیگری با نسل جوان رعایت شود عبارتند از:

۱. رعایت جنبه‌های ظاهری ارتباط

نخستین پیامی که از مربی به متربی ارسال می‌شود، به ویژگی‌های ظاهری مرتبط است. این پیام ارتباطی می‌تواند مثبت و جذب کننده و یا منفی و پس زننده باشد. برخورداری از برخی ویژگی‌های ظاهری و رفتاری، می‌تواند نقش سازنده و مثبتی در شکل‌گیری ارتباط مؤثر و سازنده با متربی جوان داشته باشد. اساسی‌ترین و مهم‌ترین تعامل در چهار دقیقه نخست ملاقات شکل می‌گیرد و مربی باید بتواند در همان ابتدا برداشت مثبت در متربی ایجاد کند. زمانی که اشخاص شما را برای نخستین بار مشاهده می‌کنند، در همان چهار دقیقه اول، با توجه به سن، جنسیت، اندام، وضع و حالت

1. Vanderhasselt, M. A. and De Raedt, R.
2. Spector
3. Wilson
4. Aslan, S
5. Raudino, A
6. Lieb, R

ظاهری، مدل مو، طرز لباس پوشیدن، حرکات بدن و بالاخره حرکات کلامی شما، تصویری در ذهنشان شکل می‌گیرد. این تصویر در ارتباطات بعدی شما با آن‌ها بسیار تأثیرگذار خواهد بود. ایجاد تصویر مثبت باعث موفقیت در قدم‌های بعدی خواهد شد (باستانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۷-۱۴۸). عموماً اعتقاد بر این است که برداشت‌های اولیه بسیار اهمیت دارند. بسیاری از ما می‌پذیریم که برداشت‌های اولیه‌ای که از دیگران داریم، روند ارتباطات آینده ما را با آنان شکل خواهد داد. افزون بر این، معتقدیم که این برداشت‌ها هنگامی که شکل گرفتند، کمتر قابل تغییرند. به همین دلیل است که ما خود را برای اولین ملاقات با مخاطب و دیگر موقعیت‌هایی که در آن، نخستین بار با دیگران برخورد داریم با دقت تمام آماده می‌کنیم (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۷۹). به هر مقداری که فرستنده پیام، از جاذبه‌های فردی برخوردار باشد و بتواند احساس بصری و سمعی مخاطب را تحت تأثیر قرار داده و با خود همراه کند، به همان مقدار در فرایندهای ذهنی او تأثیرگذار خواهد بود (نصیری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۱۳).

پوشش و ظاهر مناسب، چهره بشاش و ظاهر آراسته و مرتب، معمولاً این ذهنیت را ایجاد می‌کند که او فردی، شایسته، سازش یافته، باهوش و دوست داشتنی است^۲ (کاویانی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵). یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که افراد تمایل دارند مردان و زنان زیبا را بیش از کسانی که زیبا نیستند، موثر، جالب، اجتماعی، مستقل، متفقد، مهیج، دوست‌داشتنی، سازش یافته، دارای مهارت اجتماعی و موفق بدانند. به‌طور کلی، مردم تصور می‌کنند که «آنچه زیباست، خوب است» (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۲۵۰-۲۵۶). این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که جذابیت و آراستگی ظاهری در جلب مخاطب به سویی گوینده بسیار مؤثر بوده و افرادی که مرتب، آراسته و تمیز باشند، مخاطبان بیشتری به آن‌ها گرایش پیدا می‌کنند و حرف آن‌ها را جدی تلقی می‌کنند. موی ژولیده، ریش نامرتب، گردن پر از مو، دندان جرم‌دار، بوی عرق و دهان بدبو، باعث

۱. Impression

۲. ممکن است این مفروضات ذهنی مطابق واقع باشد و یا نباشد، ولی این برداشت مثبت ایجاد می‌شود.



نفرت و دلزدگی افراد می‌شود (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۹-۶۰). مطالعات نشان داده است که استفاده از چهره انسانی آراسته و مناسب در تبلیغات و ارتباط فرهنگی، تأثیر بیشتری در پذیرش مخاطب و تأثیرپذیری او دارد (پری‌آنکارا^۱ و همکاران، ۲۰۱۷م، ص ۱۲۸-۱۸۴). آراستگی ظاهری و مرتب بودن، در مخاطب جوان به دلیل اهمیت مضاعف جوانان به آراستگی و زیبایی، نقش سازنده‌تری دارد و فضای ارتباطی را بهبود می‌بخشد.

۲. گشاده‌رویی و زمینه‌سازی برای برداشت اولیه مثبت

در محیط پویا و رقابتی کنونی و با توجه به گسترش ابزارهای تبلیغاتی مختلف، موفقیت در ارتباط و ایجاد تحول در بینش و رفتار مخاطب، نیازمند توانمندی ویژه و تلاش مضاعف است. خوشرویی و گشاده‌رویی از مهمترین ابزارهای ظاهری در ایجاد رابطه فرهنگی و دینی است. نگاه عاطفی، ادای احترام، دست بر سینه گذاشتن، سر تکان دادن به منظور احترام، گشاده‌رویی، لبخند ملیح و برخورداری از حالت متواضعانه، نقش زیادی در شکل‌گیری برداشت مثبت اولیه دارد. نوع نگاه، طرز راه رفتن، حرکات سر و دست و کیفیت مصافحه، هر کدام تصورات قالبی و برداشت‌های ویژه‌ای را به دنبال دارد. چهره عبوس، نگاه مغرورانه، برخورد سرد و بی‌توجهی به احساسات عاطفی اشخاص در برخورد نخستین، باعث شکل‌گیری احساس منفی می‌شود. در چهره انسان شش هیجان مختلف و اساسی وجود دارد که هر یک از آن‌ها پیامدهای خاص خود را در تعامل با دیگران دارد (رابینز و جاج^۲، ۲۰۱۵م، ص ۹۹-۱۰۲). خوش‌رویی و گشاده‌رویی از هیجان‌های مثبت است که نقش سازنده در روابط بین‌فردی دارد. منظور از جنبه‌های مثبت عواطف، ابعادی از هیجان‌هاست که به نوعی با شادی، علاقه، دلسوزی، نیکی، فداکاری، همدردی، بخشش، محبت، الفت و دوست داشتن، ارتباط تنگاتنگی دارند.

1. Priyankara
2. Robbins and Judge

بهترین روش در تعاملات اجتماعی، ارتباط عاطفی- عقلانی و گشاده‌رویی است؛ یعنی علاوه بر اینکه از بهترین یار زندگی؛ یعنی عقل کمک گرفته می‌شود و تصمیم‌گیری‌ها براساس هدایت و راهنمایی عقل انجام می‌گیرد، از عواطف پاک و احساسات دوستانه نیز بهره‌مند است (پناهی و جان بزرگی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۰-۱۹۱). مربی، باید در لحظه‌های نخستین، دل مخاطب را شکار کند. با نگاه دوستانه و صمیمانه و اظهار محبت و علاقه به افراد، می‌توان دل آنان را مایل به خود نمود. خوش‌رویی و گشاده‌رویی^۱ (آل عمران، ۱۶۰) از توصیه‌های قرآنی در تعامل اجتماعی است. این نوع ارتباط، عاملی در تقویت روابط دوستانه و نزدیکی دل‌ها و جذابیت روابط اجتماعی می‌گردد. پیامد گشاده‌رویی و خوش‌زبانی، مودت^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۶۷) دلدادگی، محبت^۳ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۴۳)، افزایش دوستی^۴ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۹۹ و دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۲۷۳)، شادی و نشاط است. خوش‌رویی، باعث پیوند دل‌ها شده و انسان‌ها را به همدیگر متمایل و علاقه‌مند می‌کند^۵ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۸۸ و ۱۰۷؛ تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۱۵ و ۳۲۷). ترش‌رویی باعث دشمنی و خوش‌رویی و گشاده‌رویی باعث جلب محبت است^۶ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۷۶). حضرت علی^{علیه السلام} می‌فرماید: گشاده‌رویی دام دوستی و موجب انس دوستان است^۷ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۶۷). حضرت علی^{علیه السلام} می‌فرماید: نرمی گفتار، بند دل‌ها است و از کرامت و بزرگی حکایت دارد^۸ (طبرسی، ۱۳۸۴، ص ۹۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۴). تحقیقات میدانی و تجربی نشان داده است که عواطف مثبت و تعامل محبت‌آمیز، به ارزیابی مثبت از دیگران می‌انجامد و باعث برداشت مثبت از مربی می‌-

۱. فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ فَطَرْتُ غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ.

۲. البشاشة حباله المودة.

۳. ثَلَاثُ بَصَائِفٍ وَدَّ الْمَرْءُ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ يَلْقَاهُ بِالْبَشْرِ إِذَا لَقِيَهُ....

۴. إِيَّاكَ وَ مَا يُسْتَهْجَنُ مِنَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يُخْسِرُ عَلَيْكَ اللَّيْلَ وَ يُفْزِرُ عَنْكَ الْكَرَامَ. إِيَّاكَ أَنْ ... تَتَكَلَّمَ فِي غَيْرِ أَدَبٍ.

۵. المودة تُعَاطِفُ الْقُلُوبَ فِي إِنْتِلَافِ الْأَرْوَاحِ.

۶. الْبَشْرُ الْحَسَنُ وَ طَلَاقُهُ الْوَجْهَ مَكْسَبَةٌ لِلْمَحَبَّةِ ... وَ غُبُوسُ الْوَجْهِ وَ سُوءُ الْبَشْرِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَقْتِ .

۷. البشاشة حباله المودة.

۸. لِيْنِ الْكَلَامِ قَيْدُ الْقَلْبِ. إِنْ مِنَ الْكَرَمِ لِيْنُ الْكَلَامِ.



گردد (آرگایل، ۱۳۸۳). خودبرتری‌بینی، باعث کدورت در روابط اجتماعی بوده و باعث سقوط و کاهش منزلت می‌شود (لقمان، ۱۸؛ ص، ۷۴؛ نوح، ۷). خوش‌رویی و رابطه عاطفی با جوانان از زمینه‌های ایجاد برداشت مثبت بوده و فضا را برای تأثیرگذاری شناختی مهیا می‌کند. اگر جوانان احساس ارتباط عاطفی با مربی را نداشته باشد، توجهی به آنان نمی‌کنند و مبادله شناختی نیز اتفاق نمی‌افتد و تعامل سازنده‌ای نیز محقق نمی‌شود (پناهی و جان بزرگی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۹-۲۱۰). به دلیل اینکه نوجوانان و جوانان سرشار از عواطف و احساسات پاک هستند، تأثیر بیشتر از مربی و مبلغ گشادمر و خوش‌رو دارند. لذا گشادمر و خوش‌رویی در تعامل با نوجوانان و جوانان از اهمیت و جایگاه بیشتری برخوردار است.

۳. توجه اساسی به تفاوت ادراکی و علایق جوانان

در آموزه‌های اسلامی افزون بر لزوم رعایت تفاوت‌های جنسیتی^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۰) بر لزوم رعایت تفاوت‌های ادراکی و شناختی افراد در ارتباط فرهنگی و تربیتی توصیه شده است^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۲۱). در تعلیم و تربیت و ارتباط با جوانان، باید به آمادگی روان‌شناختی و علایق افراد توجه داشت^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۶۰). حضرت علی (ع) یکی از نشانه‌های حکمت و خردورزی را روی‌گردانی از اموری می‌داند که شرایط مساعد ندارد و فضای روان‌شناختی برای انتقال آن مهیا نیست^۴ (لیثی‌واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۷۳). هم‌ترازی انتظارات با ظرفیت و توان مخاطب از ایجاد احساس شکست در او جلوگیری می‌کند؛ احساسی که منجر به تسلیم شدن و سلب مسئولیت فرد می‌شود. تناسب تکلیف با نیازهای جوانان باعث تقویت انگیزه آنان در راستای التزام رفتاری می‌گردد. حضرت علی (ع) فرمودند: فرزندان را به آداب و

۱. لَا تُمْلِكُ الْمَرْأَةَ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمَ لِحَالِهَا وَ أَرْخَى لِبَالِهَا وَ أَدْوَمَ لَجَمَالِهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ.
 ۲. كَلِمَ النَّاسِ بِمَا يَعْرِفُونَ. كَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ غُفُولِهِمْ.
 ۳. إِذَا نَشِطَّتِ الْقُلُوبُ فَأَوْدَعُوهَا وَ إِذَا نَفَرَتْ فَوَدِّعُوهَا.
 ۴. مِنَ الْحِكْمَةِ أَنْ ... لَا تَتْرَكَ الْأَمْرَ عِنْدَ الْإِقْبَالِ وَ تَطْلُبُهُ عِنْدَ الْإِدْبَارِ.

رسوم خودتان مجبور نکنید؛ زیرا آنها برای دوره خاص خودشان آفریده شده اند (یعنی باید اقتضائات زمانی و مکانی را در فرزندپروری لحاظ نمود)^۱ (ابن أبي الحديد، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۲۶۷).

۴. صمیمیت و همدلی با جوانان

صمیمیت^۲ به معنای حمایت بی‌قید و شرط، یکرنگی در روابط و توجه عمیق به افکار و احساسات یکدیگر و پذیرش آن (باگاروزی^۳، ۲۰۰۱ق، ص ۱۴). یکی از عوامل تقویت تعامل سازنده است. تحقیقات نشان می‌دهد که صمیمیت باعث رضایتمندی و زمینه‌ساز تأثیرپذیری شناختی می‌شود (لارسون و باس، ۱۳۹۵، ص ۳۹۶). رفتارهای دوستانه و مهربانانه، تحقق بخشی به نیازهای شخصی، شنیدن عبارات محبت‌آمیز باعث افزایش صمیمیت می‌شوند. همدلی^۴ نیز به معنای توانایی سهیم شدن در تجربیات هیجانی دیگران (ولم^۵ و همکاران، ۲۰۰۶م، ص ۹۰-۹۸)، برخورداری از توانایی مدیریت و برانگیختگی عاطفی و تنظیم آن (ریف^۶ و همکاران، ۲۰۱۰م، ص ۳۶۲-۳۶۷) و به معنای توانایی شبیه‌سازی و تصور حالات درونی و ذهنی دیگران و درک صحیح از حالات شناختی و عاطفی-هیجانی دیگران (نامین می^۷ و دیگران، ۲۰۰۸م، ص ۵۷۱-۵۸۰)، از مهم‌ترین و قدرتمندترین ابزار است که می‌توان به واسطه آن با جوانان رابطه برقرار نمود. همدلی، نقش اساسی در ایجاد انگیزه در کنش‌وری-های رفتاری انسان دوستانه، تعامل و ارتباط صحیح با دیگران، پاسخ‌های رفتاری و کنش‌های بین

۱. لا تقسروا أولادکم علی آدابکم فإنهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم.

2. Intimacy
3. Bagarozzi, D.A
4. empathy
5. Vollm, B
6. Rieffe, C
7. Nummenmaa, L



فردی افراد دارد (دیکتی^۱، ۲۰۱۱م، ص ۹۲-۱۰۸). همدلی از مؤلفه‌هایی است که در ایجاد امید، نقش اساسی دارد. ایجاد همدلی باعث افزایش امنیت روانی، تسهیل ارتباط مؤثر و موفقیت در رابطه است (لیندا سلیگمن و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۴۲). تعامل صمیمانه و همدلانه با هر مخاطبی ضرورت دارد اما به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی نوجوان و جوان، رعایت رفتار صمیمانه و همدلانه با آنان، نقش سازنده‌تر و تأثیرگذارتری دارد.

۵.. الگودهی و الگوپردازی

یکی از فراگیرترین و تأثیرگذارترین راهکارها برای تأثیرگذاری تربیتی و فرهنگی، بهره‌گیری از یادگیری مشاهده‌ای (یادگیری الگویی) است. الگوگیری جزئی حیاتی در نظریه اجتماعی شناختی است. الگوگیری، اصطلاحی کلی است که به تغییرات رفتاری، شناختی و عاطفی ناشی از مشاهده یک الگو یا بیش از یک الگو اطلاق می‌شود (شانک، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴). مربیان می‌توانند با ارائه الگوی رفتاری سالم و سازنده در تحول و بهبود رفتارهای جوانان تأثیرگذار باشند (کرونیس^۲ و همکاران، ۲۰۰۴م). در آموزه‌های اسلامی به بحث الگوپروری و اسوه‌پروری تأکید شده^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۹۸). در روان‌شناسی به خصوص در اندیشه آلبرت بندورا نیز اعتقاد بر این است که بیشتر یادگیری‌های انسان و تأثیرپذیری‌های او، از طریق یادگیری مشاهده‌ای صورت می‌گیرد. وی همچنین اعتقاد دارد هر قدر الگوی مورد مشاهده، از محبوبیت و جذابیت و رابطه عاطفی خوب با الگوگیرنده برخوردار باشد، تأثیرش زیاده‌تر و بهتر خواهد بود (باندورا و بیوسی^۴، ۲۰۰۴م). پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که بهره‌گیری از چهره انسانی در تبلیغات و تربیت، بیشترین تأثیر را در جلب توجه مخاطب و تأثیرپذیری

1. Decety, J

2 . Chronis, A. M

۳ . كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بَالْسِنَتِكُمْ.

4. Bandura, A., & Bussey

مخاطب دارد. هر مقدار چهره‌های انسانی برخوردار از ویژگی‌هایی از قبیل شهرت، اعتبار (تخصص و قابلیت اعتماد)، تجانس با مخاطب و برخوردار از جذابیت ظاهری و کلامی باشند، میزان اثربخشی آنان افزایش پیدا کرده و در جلب توجه مخاطب و تغییر رفتار او، مؤثرتر خواهد بود (درولرز^۱، ۲۰۱۵م، ص ۱۵-۲۶؛ نصیری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۹-۱۲۴). بهره‌گیری از الگودهی و الگوپردازی در مخاطب خردسال و نوجوان و جوان، بسیار سازنده است و نوجوانان و جوانان به طور معمول به دنبال الگوهای سرآمد و ممتاز و جذاب هستند.

روش الگویی جلوه‌های مختلفی دارد که مهم‌ترین آن عبارتند از:

الف) الگودهی: مقصود از الگودهی، ارائه الگوی مثبت و حقیقی است، که خود بر دو نوع است:

۱_ گاهی شخص تلاش می‌کند که خودش برای مخاطبان، الگو باشد. رفتار و منش و معتقدات الگو باید از ناحیه تعالیم آسمانی و یا اندیشمندان فرهیخته تأیید و حمایت شود و مورد پذیرش مردم نیز باشد. امام صادق^ع به پیروان خود می‌فرماید: با غیر از کلام و زبان خود، مردم را به دین الهی دعوت کنید، تا مردم، تقوی، نماز و کارهای خیر را در رفتار شما ببینند، این باعث دعوت آنان می‌شود^۲ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۰۲). در این روش، هر مقدار شعار با عمل و رفتار مطابقت داشته باشد تأثیرش بیشتر است. امیرمؤمنان^ع می‌فرماید: ای مردم، به خدا قسم شما را به طاعتی ترغیب نمی‌نمایم جز این‌که خود با عمل به آن از شما پیشی می‌گیرم، و از گناهی باز نمی‌دارم مگر اینکه قبل از شما از آن باز می‌ایستم^۳ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۵۰).

۲_ گاهی، افراد دیگری را که جنبه الگویی دارند، معرفی می‌کند؛ کسانی که هم اکنون یا در گذشته زندگی می‌کرده‌اند؛ برای مثال قرآن به مسلمانان می‌گوید پیامبر خدا،

1. Droulers

۲. كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ؛ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْاِحْتِمَادَ وَالْخَيْرَ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ.
۳. أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتُكُم عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَ أَسْفُكُم إِلَيْهَا وَ لَا أَنْهَأُكُمْ عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَهَى قَبْلُكُمْ عَنْهَا.

برای شما الگویی شایسته‌ای است^۱ (احزاب، ۲۱). همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت^۲ (ممتحنه، ۴). در این روش، فردی که دارای ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری قابل قبول است و برای مردم نیز به طور نسبی شناخته شده است، به عنوان الگو و اسوه معرفی می‌شود و به پیروی از آن ترغیب می‌شوند.

ب) الگوپردازی: الگوپردازی شیوه الگویی دیگری است که از قوه خیال و الگویی فرضی بهره می‌گیرد. برای مثال، قرآن برای مؤمنان الگوپردازی می‌کند و می‌گوید: «مؤمنان رستگارند، آنان که در نمازشان خشوع دارند، از لغو و بی‌هوده روی گردانند، زکات می‌پردازند، دامن خود را از بی‌عفتی حفظ می‌کنند و ... (مومنون، ۱-۵). حضرت علی^{علیه السلام} نیز در خطبه‌ای به الگوپردازی پرداخته و می‌فرماید: در گذشته، مرا برادری بود که در راه خدا برادری‌ام می‌نمود. خردی دنیا در دیده‌اش، وی را در چشم من بزرگ می‌داشت، و شکم بر او سلطه نداشت. پس آنچه نمی‌یافت، آرزو نمی‌کرد و آنچه را می‌یافت، فراوان به کار نمی‌برد. بیش‌تر روزش را خاموش می‌ماند، و اگر سخن می‌گفت، گویندگان را از سخن باز می‌داشت و تشنگی پرسندگان را فرو می‌نشاند. افتاده بود و در دیده‌ها ناتوان، و به هنگام کار، چون شیر بیشه و مار بیابان. تا نزد قاضی نمی‌رفت، حجت نمی‌آورد و کسی را که عذری داشت، سرزنش نمی‌نمود تا عذرش را می‌شنید. از درد شکوه نمی‌کرد، مگر آن گاه که بهبود یافته بود. آنچه را می‌کرد، می‌گفت و بدانچه نمی‌کرد دهان نمی‌گشود. اگر با او جدال می‌کردند، خاموشی می‌گزید و اگر در گفتار بر او پیروز می‌شدند، در خاموشی مغلوب نمی‌گردید. بر شنیدن حریص‌تر بود تا بر گفتن، ...^۴ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲۶).

۱. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ.

۲. قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ.

۳. قد افلح المؤمنون، الذين هم في صلاتهم خاشعون، والذين هم عن اللغو معرضون والذين هم للزكوة فاعلون والذين هم لفروجهم حافظون.

۴. كَانَ لِي فِيمَا مَضَىٰ أَحَدٌ فِي اللَّهِ وَكَانَ يُعْظِمُهُ فِي عَيْنِي صَغُرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَكَانَ خَارِجاً عَنْ سُلْطَانِ بَطْنِهِ فَلَا يَسْتَهْوي مَا لَا يَجْدُ وَلَا يَكْثُرُ إِذَا وَجَدَ وَكَانَ أَكْثَرَ ذَهْرِهِ صَامِتاً فَإِنْ قَالَ بَدَّ الْفَائِلِينَ وَ نَفَعَ غَلِيلَ السَّائِلِينَ وَ كَانَ ضَعِيفاً مُسْتَضْعَفاً فَإِنْ جَاءَ الْجِدُّ فَهُوَ لَيْثٌ عَادٍ وَ صِلٌ وَادٍ لَا يُذِلِّي بِخُجَّةٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَ قَاضِياً وَ كَانَ لَا يُلَوِّمُ



۶. سعه صدر و تاب‌آوری و انتقادپذیری

چنان‌که اشاره شد، دوره جوانی با ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی خاصی همراه است. مربی، بایستی اعتماد به نفس جوان را تقویت کند و با اندیشه‌های نوگرایانه و خلاقانه و حتی منتقدانه او، با احترام برخورد کرد. لازمه تعامل این گونه با جوان، افزایش ظرفیت تاب‌آوری و برهیز از قضاوت عجولانه است. مفهوم تاب‌آوری^۱، توانایی غلبه و سازگاری موفقیت آمیز با چالش‌ها، فشارهای روان‌شناختی و تنش‌های مهم و پیوسته و بهره‌گیری از تفکر خلاق و منعطف در راستای حل مسایل و چالش‌هاست. تاب‌آوری توانایی یادگیری، سازمان‌دهی و سازگاری با اوضاع سخت و دشوار زندگی و پاسخ انعطاف‌پذیر به فشارهاست (تیده^۲، ۲۰۱۶م، ص ۱-۱۳). تاب‌آوری، توانایی پایداری و مقاومت در مقابل دشواری‌ها و چالش‌های سخت زندگی، به‌گونه‌ای که باعث انطباق مثبت با رویدادها بشود و تهدیدها را به فرصت تبدیل کند (گارمزی^۳، ۱۹۹۱م، ص ۴۱۶-۴۳۰)، از موضوعاتی است که در بهبود و تسهیل فرایند تعامل با دیگران نقش سازنده دارد (اگن، ۱۳۹۵، ص ۲۱۹-۲۲۰). برخورداری مربیان از تاب‌آوری، باعث بهبود روابط، افزایش توانایی مقابله با تعارض و چالش می‌گردد (رابینسون^۴، ۲۰۰۸م، ص ۱۴-۱۹). بوگار و دیانا^۵ (۲۰۰۶م، ص ۳۱۸-۳۲۷) بر این باور است که افزایش تاب‌آوری در مربی، باعث می‌شود که ظرفیت روان‌شناختی و اعتماد به نفس ارتقا پیدا کند و بتواند چالش‌ها را به گونه شایسته مدیریت کرده و به فرصت تبدیل نماید. در آموزه‌های اسلامی از برابری و صبوری و برخورداری بودن از آستانه تحمل بالا ستایش

أَحَدًا عَلَى مَا لَا يَجِدُ الْعُذْرَ فِي مَثَلِهِ حَتَّى يَسْمَعَ اعْتِدَارَهُ وَ كَانَ لَا يَشْكُو وَ جَعَا إِلَّا عِنْدَ بُرْئِهِ وَ كَانَ يَفْعَلُ مَا يَقُولُ وَ لَا يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ وَ كَانَ إِذَا غُلِبَ عَلَى الْكَلَامِ لَمْ يَغْلِبْ عَلَى السُّكُوتِ وَ كَانَ عَلَى أَنْ يَسْمَعَ أَحْرَصَ مِنْهُ عَلَى أَنْ يَتَكَلَّمَ وَ كَانَ إِذَا بَدَّهَ أَمْرًا نَظَرَ إِلَيْهِمَا أَقْرَبَ إِلَى الْهَوَى فَخَالَفَهُ فَعَلَيْكُمْ بِهِذِهِ الْخَلَاقِ فَأَلْزَمُوهَا وَ تَنَافَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوهَا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَخْذَ الْقَلِيلِ خَيْرٌ مِنْ تَرْكِ الْكَثِيرِ.

1. resilience
2. Thiede
3. Gramezy, N
4. Robinson, P. F
5. Bogar, C. B.; Diana, H

شده است^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۵). در آموزه‌های اسلامی افزون بر تأکید و تمجید از اهمیت برخورداری از سینه فراخ^۲ (طه، ۲۵) و ظرفیت روان‌شناختی بالا^۳ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۹۵)، بر بهره‌گیری از صبوری^۴ (معارج، ۵؛ بقره، ۱۵۴ و ۱۵۸) توصیه شده است. حضرت علی^{علیه السلام} می‌فرماید: پرهیزکاران در سختی‌ها بردبار و صبورند^۵ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۰۵). بردباری، دوراندیشی، ژرف‌اندیشی و نرم‌خویی^۶ (همان و ص ۵۳۳)، از شاخص‌ترین ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی افراد صبور و تاب‌آور است. صبوری، افزون بر این‌که ظرفیت‌های روان‌شناختی افراد را افزایش می‌دهد به وی ثبات قدم و اطمینان قلبی بیشتری در مواجهه با دشواری‌ها و چالش‌ها می‌دهد. صبوری، می‌تواند ریشه و منشأ هر جزع و بیتابی را در دل انسان بسوزاند و پایداری فرد را در مقابل مشکلات افزایش داده و او را در رفتارهای خویش مصمم کند. معنای صبوری تسلیم شدن در مقابل مشکلات و شکست‌ها نیست، بلکه استقامت در مقابل چالش‌ها است (مرحمتی و خرمایی، ۱۳۹۵، ص ۴۳).

باید به انتقادات جوانان گوش داد و به آنان آگاهی‌بخشی داشت و به استقلال طلبی آنها احترام گذاشت. باید به ذوق و سلیق آنان احترام کرد و باید خشم و خشونت آنان را مقتضای این دوره تلقی نمود و نه انحطاط اخلاقی دانست. جوانان به دلیل برخورداری از روحیه لطیف و هیجانی از دستورات آمرانه و چکشی بیزاری دارند و معمولاً از افرادی که رابطه عاطفی و هیجانی و دوستانه و انتقادپذیر داشته باشند، استقبال می‌کنند (سانتراک، ۱۳۹۲، ص ۳۱۱-۳۲۹).

۱. الْعِلْمُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَالْجَلْمُ وَزِيرُهُ وَالصَّبْرُ أَمِيرُ جُنُودِهِ وَالرَّفْقُ وَالِدُهُ.

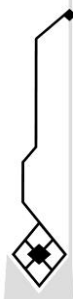
۲. رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي.

۳. إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبُ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا.

۴. فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ.

۵. صَبْرًا فِي شِدَّةٍ.

۶. فِي الزَّلَازِلِ وَقَوْرٍ وَفِي الْمَكَارِهِ صَبُورٍ. الْمُؤْمِنُ... أَوْسَعُ شَيْءٍ صَدْرًا وَ أَذْلُ شَيْءٍ نَفْسًا يَكْرَهُ الرِّفْعَةَ وَ يَسْتَأْذِنُ السَّمْعَةَ طَوِيلَ غَمٍّ بَعِيدٍ هُمُّ كَثِيرٍ صَمْتُهُ مَشْغُولٌ وَقَتُّهُ شُكُورٌ صَبُورٌ مَغْمُورٌ... سَهْلُ الْخَلِيقَةِ لَيْنُ الْعَرِيكَةِ نَفْسُهُ أَصْلَبُ مِنَ الصَّلْدِ.



۷. رفتار امیدوارانه و مثبت اندیشانه

امید، پیش‌بینی کننده رضایت از زندگی، شادکامی، حرمت خود و بسیاری از دیگر شاخص‌های سلامت و امنیت روانی است. تحقیقات زیادی بر اثربخشی امیدواری به عنوان عنصر مقابله‌ای و محافظتی در مواجهه با چالش‌ها دلالت دارد (صالحی، ۱۳۹۵، ص ۴۲-۴۴). توجه بر جنبه‌های مثبت دوره جوانی و ایجاد امیدواری در جوانان، یکی از راهبردهای شناختی و عاطفی در فرایند بهبود ارتباط است (لوتانز و جنسن^۱، ۲۰۰۸، ص ۳۰۴-۳۲۲). انسان‌های بدون امید، سرگردان و حیرانند. انسان ناامید از زندگی بیزار است. از چشم انداز اسلامی، امیدواری، نیروی محرک انسان معرفی شده است (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۴۳). از نگاه اسلامی، اعتماد به نصرت الهی (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۰۸)، دوری از انتظار کاذب (امید کاذب) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۶۴)، تقویت باورهای معنوی، تقویت روحیه توکل بر خالق هستی و واداشتن جوان به استغفار و اصلاح گذشته و باور بر رحمانیت خداوند (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۵)، از عوامل افزایش امیدواری تلقی شده است. حضرت علی^{علیه السلام} در خطبه‌ای بر ضرورت امید به آیند و به خالق هستی تأکید دارند و می‌فرمایند: ستایش خداوندی را سزااست که کسی از رحمت او مأیوس نگردد (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۸۵). آن حضرت افزون بر تقویت امید در افراد، بر تقویت روحیه و تقویت مقاومت در برابر سختی‌ها تأکید نموده و می‌فرماید: اگر به آنچه که می‌خواستی نرسیدی، از آنچه هستی نگران مباش (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۸۰). جوان به دلیل تعارض‌ها و آشوب‌های درونی، ممکن است حرفی بزنند یا کاری انجام دهند که پسندیده نباشد، مربیان نباید لج بازی کنند، بلکه باید با حفظ رابطه عاطفی، راه درست را به آنان معرفی نمایند. باید مثبت اندیشی و امیدواری را در جوانان تقویت نمود. اگر انسان در مسیری گام بردارد که از یک سو امکان خطا و انحراف در آن بسیار است و از دیگر سو، امکان تدارك و جبران خطا وجود نداشته باشد طبعاً ناامید گشته و از ادامه حرکت باز می‌ایستد. اما در صورتی که بتواند گذشته ناپسند

1. Luthans, S. M.& Jensen



خود را جبران نماید امید وی به گام نهادن در طریق مزبور و استمرار حرکت دوجندان می‌شود. خداوند انسان را نه تنها از یأس و ناامیدی برحذر داشته است^۱ (زمر، ۵۳)، بلکه یأس و ناامیدی را ماندن در گمراهی و انحراف و ادامه آن می‌داند^۲ (حجر، ۵۶). نوجوان و جوان به دلیل تجارب اندک، هیجان، آرمان خواهی و تعارض‌های فکری، با ندانم کاری و اشتباهات زیادی روبرو می‌شود و گاهی امید و انگیزه خود را از کف می‌دهد. باید در او اطمینان به آینده و امیدواری را تقویت کرد و بینش او را نسبت به آینده خوش بین نمود.

۸.. بهره‌گیری از روش ارسال پیام دو طرفه

یکی از عوامل مؤثر در تأثیرگذاری بر متربی جوان، قالب بندی پیام^۳ است. این موضوع شامل زیر مجموعه‌هایی از قبیل پیام‌های یک طرفه، پیام‌های دو طرفه، پیام‌های مخاطب محور، استفاده از مثال و غیره است. آنچه در موضوع ما اهمیت دارد پیام‌های یک طرفه، دو طرفه، مخاطب محور و استفاده از مثال است. پژوهش‌های مختلف و از جمله پژوهش هاوُلند و همکارانش نشان داد که پیام یک طرفه (مثل منبر و سخنرانی یک طرفه) در افرادی که در ابتدا موافق پیام هستند (افراد همفکر)، مؤثرترین روش است و بیشترین تأثیرگذاری را در مخاطب دارد و پیام دو طرفه (گفتگوی دو طرفه) در اشخاصی که در ابتدا مخالف پیام هستند، بیشترین تأثیر را دارد. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که پیام‌های یک طرفه در افرادی که تحصیلات کمتری دارند، بیشترین تأثیر را دارد و پیام‌های دو طرفه در افرادی که دارای تحصیلات بیشتری هستند، بیشتر است. تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که استفاده از مثال در ارسال پیام برای همگان و به ویژه برای افرادی که از دانش کمتر برخوردارند، مفید است (سورین و تانکارد، ۱۳۸۴، ص ۲۴۲). مربیان بایستی در تعامل با نخبگان و افراد تحصیل کرده و در تعامل با

۱. لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا.
۲. وَ مَنْ يَقْنَطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ.

جوانان از تعامل دو طرفه بهره بگیرند و اجازه گفتگوی دو طرفه بدهند و از روش اقناع مخاطب بهره بگیرند. این روش در فضاهای دانشجویی و نخبگانی، بهترین روش است. در فضای دانشجویی به راحتی نمیتوان با پیام‌های یک طرفه، مخاطب را اقناع نمود و در او تأثیر زیادی داشت.

مربیان باید خود را در سطح جوان قرار بدهند و رابطه افقی برقرار کنند و نه رابطه عمودی (دستوری و خودبرتربینی نباشد و دوستانه و هم‌تراز انگارانه باشد). یکی از مؤلفه‌هایی که در دستورات اخلاقی و تربیتی وجود دارد و کیفیت تعامل و ارتباط در آن مبتنی بر رفاقت، کنشوری عاطفی، تعامل اقناعی و هم‌سطح انگارانه است، موعظه سنجیده می‌باشد. اگرچه برخی لغت‌شناسان گفته‌اند که موعظه نهی آمیخته با تهدید است اما می‌توان با توجه به موارد کاربرد آن و با توجه به معانی اصطلاحی آن، موعظه را تذکر، دعوت، کنشی عاطفی، اقناعی، شناختی، خردورزانه، پسندیده، تأثیرگذار، هوشیار کننده و دعوت به نیکی همراه با رقت قلب دانست که هر گونه اندرزی را که در مخاطب اثر می‌گذارد و او را به صلاح و نیکی متمایل می‌کند، شامل می‌شود (پناهی، ۱۳۹۹، ص ۲۰۳-۲۰۴). موعظه عمدتاً، معطوف به دل و قلب انسان است و با شیوه‌ای عاطفی و احساسی و شناختی انجام می‌شود. کاربرد این روش در خصوص دوره جوانی به دلیل شرایط دانشی و بینشی و ویژگی‌های روان‌شناختی (روحیه کنجکاوری، تشخیص طلبی، صفای درونی، محبت طلبی، بیزاری از دستور، نفرت از برتری طلبی و...) جوانان، فراوانی و تأثیرگذاری بیشتری دارد (سانتراک، ۱۳۹۲، ص ۳۱۵).

یکی از امتیازات مهم موعظه، همراهی با متقاعدسازی، اقناع اندیشه مخاطب و استدلال است. اقناع اندیشه، استدلال محکم، رابطه عاطفی و دوستانه، زمینه تأثیرگذاری را مضاعف می‌سازد و بر بصیرت و شناخت افراد می‌افزاید و بسترهای تحول اجتماعی و رفتاری را مهیا می‌سازد (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۰، ص ۳۰۰-۳۶۰). وقتی بتوانیم با استدلال محکم و تعامل دوستانه و رابطه عاطفی افقی، اندیشه جوانان را اقناع کنیم، میل و رغبت در آنان به سمت تحول و همراهی افزایش پیدا می‌کند (پناهی، ۱۳۹۹، ص ۲۰۵).

جوانان به دلیل برخورداری از روحیه لطیف و هیجانی از انتقاد و دستورات آمرانه بیزاری دارند و معمولاً از افرادی که رابطه عاطفی و هیجانی و دوستانه داشته باشد، استقبال می‌کنند (سانتراک، ۱۳۹۲، ص ۳۱۱-۳۲۹).

در روش تربیتی مبتنی بر حکمت بیشتر دعوت به سوی اصلاح و راه حق با روش برهان و عقل است اما در روش موعظه به قلب و عواطف افراد بیشتر تکیه می‌شود و با رفت، مهربانی و روشی خردمندانه و عاطفی، افراد را به سوی اعمال و رفتار نیک رهنمون می‌شوند. به حجت و یقینی که مفید ظن و گمان، و ثمره‌اش اقناع باشد، موعظه حسنه می‌گویند و اگر هدف، ارائه دلیل برای الزام خصم باشد، به آن جدل می‌گویند (سمیح دغیم، ۲۰۰۱م، ص ۸۰۱). طبرسی می‌نویسد: موعظه نیکو، تشویق مردم به ترك زشتی‌ها و انجام کارهای پسندیده است. واعظ با سخن نیکو، دل‌های مردم را نرم کرده و بذر خشوع و خضوع را در دل‌های آنان می‌افشاند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۶۰۵).

۹. واداشتن متربی به اقدام عملی و مسئولیت‌پذیری

حاصل تربیت در شکل کامل خود، انسانی مسئول و متعهد است که نسبت به دیگران احساس مسئولیت داشته و دغدغه‌مند می‌باشد؛ در مسائل اجتماعی حضوری آگاهانه و ارادی و داوطلبانه دارد و راهبر است. مربی باید تلاش کند تا جوانان و متربیان را با شکل‌دهی مسئولیت‌پذیری و تعهد به میدان آورد و نقش‌های اجتماعی را به آنان بسپارد و آنان نیز این نقش را مشق کنند. به صرف مطالعه و کلاس، کمتر کسی می‌تواند مربی و استاد زبردست بشود.

با مطالعه‌ی کتاب رانندگی و شنیدن دستور شنا، کسی راننده یا شناگر نمی‌شود. به دست آوردن همه ویژگی‌های اخلاقی، صنعتی، مهارتی و ...، حاصل ممارست و تجربه نمودن و تکرار عمل است. مولای متقیان علیه السلام می‌فرماید: هر کس کار کند، نیرویش



افزونتر می‌شود، و هر کس در کار کردن قصور کند، سستی او افزایش می‌یابد^۱ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۵۴).

هر صفتی را که بدان التزام و اهتمام داشته باشیم و آن را به کار بگیریم و در طی زمان بدان پای‌بند باشیم، در وجود ما و در شخصیت ما تقویت و تثبیت خواهد شد و هر صفتی که آن را آموخته باشیم، ولی به کار نگرفته باشیم، در ذهن ما به شکل مفهوم باقی خواهد ماند و به شاکله شخصیتی و روان‌شناختی و جان ما، منتقل نخواهد شد. ملا هادی سبزواری در این باره می‌گوید: إِذْ حَمَرْتَ طِينَتَنَا بِالْمَلَكَةِ وَ تَلَكْ فِينَا حَصَلَتْ بِالْحَرَكَةِ؛ طینت و ذات ما با ملکات به دست می‌آید و ملکات هم به وسیله حرکات و اعمال ما متحقق می‌شود (سبزواری، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۶۱۷). باید در نظام تربیتی و اجتماعی، انگیزه‌ی کارکردن ایجاد کرد و متربی و جوان را به میدان عمل وارد نمود و با واقعیت‌ها و مسئولیت آشنا ساخت.

جوان در میدان عمل بزرگ می‌شود و با تمرین و ممارست رشد می‌کند نه با تماشا کردن و از دور دستی بر آتش داشتن و دست بر روی دست نهادن. پس به جای تربیت نظری و کلاسی به تربیت میدانی و کارگاهی باید روی آوریم؛ زیرا تربیت واقعی و رشد و تعالی وجودی در میدان عمل پدید می‌آید، نه در کلاس درس؛ بنابراین نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که ما کار کنیم تا جوان رشد کنند! ما احساس مسئولیت بورزیم تا او مسئول شود! وقتی مربیان، مسئولان و کارگزاران کار می‌کنند، خودشان رشد می‌کنند، نه نسل جوان؛ این‌که متولیان رسمی و نهادهای حاکمیتی و تربیتی برای جوانان برنامه اجرا کنند و آنان را مخاطب اجرای خود ببینند کافی نیست. تحول و رشد انسان، همانند یک گستره است و گام به گام تحقق پیدا می‌کند و تا قدم اول برنداشته نشود، زمینه برای قدم بعدی مهیا نخواهد شد. لذا مربیان بایستی متناسب با علم و توانایی مربی، به او مسئولیت دهند تا بستر برای اقدامات بعدی و مراحل بعدی تحول ایجاد شود. تجارب میدانی و التزام عملی به دانسته‌ها، باعث گسترش ادراک و افزایش مهارت و باعث پختگی و ژرف-

۱. مَنْ يَعْمَلْ يَزِدْ قُوَّةً وَمَنْ يُقْصِرْ فِي الْعَمَلِ يَزِدْ قُتْرَةً.



نگری و جامع‌نگری می‌شود. پیامبر گرامی ﷺ می‌فرماید: هر کس به آنچه می‌داند، عمل کند، خداوند، دانش آنچه را نمی‌داند، به او ارزانی می‌دارد (بستر و زمینه دانش جدیدی را برایش فراهم می‌کند)^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵، ص ۳۶۳).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از تتبع و تأمل در آموزه‌های اسلامی، دانش روان‌شناسی و تحقیقات میدانی مرتبط می‌توان ادعا کرد که:

۱. دوره جوانی از دوره‌های مهم و سرنوشت‌ساز در حیات انسان است؛
۲. جوانان دارای ویژگی‌های عاطفی، بینشی، رفتاری و شخصیتی ویژه هستند؛
۳. رعایت اقتضانات ایجاد تحول اخلاقی در جوانان از ضرورت‌های اساسی در تعامل با جوانان است؛
۴. ادراک واقع بینانه از ویژگی جوانان و تعامل متناسب با آنان، باعث مصونیت بخشی جوانان از آسیب‌های مختلف شده و زمینه شکوفایی و سلامت آنان را فراهم می‌سازد؛
۵. رابطه دوستانه، صریح، متواضعانه، مؤدبانه و تکریم‌آمیز با جوانان از مهم‌ترین راهکارهای تعامل فرهنگی و اخلاقی با جوانان است؛
۶. رابطه همدلانه، صمیمی و مبتنی بر صداقت و تاب‌آوری، زمینه‌ساز تعامل سازنده و تأثیرگذار با جوانان خواهد شد؛
۷. الگودهی و الگوپردازی و بهره‌گیری از روش ارسال پیام دو طرفه و اقناعی، باعث پذیرش و تعامل سازنده خواهد شد؛
۸. خشونت، خودبرتربینی، تهدید، ریاکاری، سطحی‌نگری، رفتار نمایشی و شعاری، باعث دلزدگی و بی‌ارزی جوانان از ارزش‌های دینی و اخلاقی خواهد بود؛

۱. مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ وَرَزَّاهُ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَم.

۹. تخلق و التزام مربیان به هنجارهای اخلاقی در شرایط مختلف، می‌تواند نقش سازنده و پایداری در ایجاد تحول اخلاقی جوانان باشد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبه الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحديد، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
۳. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا يحضره الفقيه، قم: انتشارات اسلامی.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله، قم: جامعه مدرسین.
۵. اگن جرارد (۱۳۹۵)، فنون و مهارت‌های اساسی مشاوره، ترجمه مجتبی تمدنی و عباسعلی الهیاری، تهران: دانژه.
۶. آذربایجانی و همکاران (۱۳۸۲)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. آرگایل، مایکل (۱۳۸۳)، روان‌شناسی شادی، ترجمه مسعود گوهری انارکی و همکاران، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
۸. باستانی، قادر (۱۳۸۶)، اصول و تکنیک‌های برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، تهران: ققنوس.
۹. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش.
۱۰. پناهی، علی احمد و جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۶)، روان‌شناسی زن و مرد، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. _____ (۱۳۹۹)، سبک فرزند پروری با رویکرد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. تمیمی‌آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۳. _____ (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الإسلامی.



۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسایل الشیعه، قم: آل البیت.
۱۵. دبس، موریس (۱۳۷۵)، از بلوغ چه می‌دانم، ترجمه حسن صفاری، تهران: علمی.
۱۶. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم:
۱۷. _____ (۱۴۱۲)، إرشاد القلوب إلی الصواب (للدیلمی)، قم: الشریف الرضی.
۱۸. سبزواری، ملاهادی (۱۳۶۹)، شرح المنظومه، تهران: ناب.
۱۹. سالاری‌فر، محمد رضا و همکاران (۱۳۹۳)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۰. سانتراک، جان دبلیو (۱۳۹۲)، روان‌شناسی رشد در گستره تحول، ترجمه پرویز شریفی درآمدی و محمد رضا شاهی، تهران: دانژه.
۲۱. سمیح، دغیم (۲۰۰۱م)، مصطلحات امام فخر رازی، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۲۲. سورین، ورنر و تانکارد، جیمز (۱۳۸۴)، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. شانک، دیل اچ. (۱۳۹۳)، نظریه‌های یادگیری، ترجمه یوسف کریمی، تهران: ویرایش.
۲۴. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم: هجرت.
۲۵. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۰)، نگاهی نو به روان‌شناسی آموختن ...، تهران: چاپخش.
۲۶. صالحی، مبین (۱۳۹۵)، طراحی مداخله امید درمانگری اسلامی و مقایسه تأثیر آن با امیددرمانگری اسنایدر بر بهزیستی فاعلی افراد مبتلا به ام. اس. (رساله دکتری)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۴)، نثر اللالی، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۸. _____ (۱۳۶۰)، تفسیر جوامع الجامع، تهران / قم: انتشارات دانشگاه تهران / مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۲۹. فرید تنکابنی، مرتضی (۱۳۶۸)، الحدیث (روایات تربیتی)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۰. قائمی، علی (۱۳۸۱)، دنیای جوان، تهران: سازمان ملی جوانان.
۳۱. کاویانی، محمد (۱۳۸۷)، روان‌شناسی و تبلیغات، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۳. کوچتکف و. د. (۱۳۶۹)، روان‌شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، ترجمه محمد تقی زاده، تهران: بنیاد.
۳۴. لارسون، رندی جی. و باس، دیوید ام. (۱۳۹۵) روان‌شناسی شخصیت (حوزه-های دانش درباره ماهیت انسان)، ترجمه فرهاد جُمهری و همکاران، تهران: رشد.
۳۵. لیندا، سلیگمن و همکاران (۱۳۹۵)، نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، ترجمه جمشید جراره و همکاران، تهران: آوای نور.
۳۶. لیثی‌واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحدیث.
۳۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. مرحمتی، زهرا و فرهاد خرمایی (۱۳۹۵)، بررسی اثر دینداری، صبر و امید بر بهزیستی فضیلت‌گرا، پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، سال دوم، شماره ۵، ص ۳۴-۶۶.
۳۹. نصیری، سپیده؛ مسعود کیماسی؛ نگار سماک نژاد و طهمورث حسنقلی‌پور، (۱۳۹۷) سنجش اثربخشی تبلیغات با تمرکز بر چهره انسانی، راهبردهای بازرگانی، شماره ۱۲، ص ۱۰۹ - ۱۲۴.



۴۰. وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۳)، جایگاه تربیت نوجوان و جوان، در: مجموعه مقالات سومین سمپوزیوم تعلیم و تربیت، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

41. Aslan, S. (2011). The analysis of relationship between school bullying, perceived parenting styles and self-esteem in adolescents. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 1798-1800

42. Bagarozzi, D.A.(2001).Enhancing intimacy in marriage, Branner- Rouledye. Tylor & Forancis group. USA.

43. Bandura,A.,& Bussey,K.(2004).On broadening the cognitive ,motivational,and sociostructural scope of theorizing about gender development and functioning .*Psychological Bullttin*,130,691-701.

44. Bogar, C. B.; Diana, H. (2006). "Resiliency Determinats and Resiliency Processes among Female Adult Surnivors of Childhood Sexual Abuse",in: *Journal of Counseling and Development*, 84 (3):p 318-327.

45. Chronis, A. M., Gamble, S. A., Roberts, J. E., & Pelham, W. E. (2004). Cognitivebehavioral depression treatment for mothers of children with Attention Deficit/Hyperactivity Disorder. Manuscript in preparation.

46. Decety, J. (2011). Dissecting the neural mechanisms mediating empathy. *Emotion Review*,3(1), 92-108.

47. Desjardins, J., Zelenski, J., & Coplan, R. (2008).An investigation of maternal personality, parenting styles, and

subjective well-being. *Personality and Individual Differences*, 44, 587-597.

48. Droulers, O., & Adil, S. (2015). Perceived Gaze Direction Modulates Ad Memorization, *Journal of Neuroscience, Psychology and Economics*, Vol. 8, No. 1, pp.15–26.

49. Falahati, Hanieh, Samavi, Abdolvahab, Javdan, Moosa. (2014). Studying the Relationship between Parenting Styles and Behavioral Problems in 3 to 6 Years Old Children. *American Journal of Life Science Researches*. Vol. 2, Issue 1, 186-193.

50. Goodman, S. H., Rouse, M. H., Connell, A. M., Broth, M. R., Hall, C. M., & Heyward, D. (2011). Maternal depression and child psychopathology: A meta-analytic review. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 14, 1–27.

51. Gramezy, N. (1991). "Resilience and Vulnerability to Adverse Development Outcomes Associate with Poverty", in: *American Behavioral Scientist*, 34(4):p 416-430.

52. Lee, P. C., Niew, W. I., Yang, H. J., Chin-hung Chen, V., & Lin, K. C. (2012). A meta-analysis of behavioral parent training for children with attention deficit hyperactivity disorder. *Research in Developmental Disabilities*, 33, 2040-2049.

53. Lieb, R., Wittchen, H., Hofler, M., Stat, D., Fuetsch, M., Stein, M., & Merikangas, K. (2007). Parental psychopathology, parenting styles and the risk of social phobia in offspring. *Archives of General Psychiatry*, 57, 859-866.



54. Luthans, S. M. & Jensen. (2008). Hope: A New Positive Strength for Human Resource Development. *Human Resource Development Review*, 1(3), 304-322.

55. Nummenmaa, L., Hirvonen, J., Parkkola, R. & Hietanen, J. (2008). Is emotional contagion special? An fMRI study on neural system for affective and cognitive empathy. *Neuro image*, 43, 571 – 580.

56. Priyankara, R., Weerasiri, S., Dissanayaka, R., & Jinadasa, M. (2017). Celebrity Endorsement and Consumer buying intention with relation to the television advertisement for perfumes. *management studies*, Vol 5, No.2, pp.128-184.

57. Raudino, A., Fergusson, D. M., & Horwood, L. J. (2013). The quality of parent/child relationships in adolescence is associated with poor adult psychosocial adjustment. *Journal of Adolescence*, 36 (2), 331-340.

58. Renner, L. M. (2012). Single types of family violence victimization and externalizing behaviors among children and adolescents. *Journal of Family*, 27.177-186.

59. Rieffe, C., Ketelaar, L. & Wiefelerink, C. (2010). Assessing empathy in young children: construction and validation of an empathy questionnaire (EMQUE). *Personality and individual differences*, 49(5), 362- 367.

60. Robbins, Stephe P and Judge, Timothy A.(2015).Organizational behavior, Manufactured in the United States of America.

61. Robinson, P. F. (2008). "Measurement of Life", In: Journal of Association Nursing In AIDS Care, 15 (3): 14-19.

62. Santrock, John W.(2011) Life-span development , Published by McGraw-Hill, an imprint of The McGraw-Hill Companies ,Avenue of the Americas, New York. Schaufeli, W. B.

63. Spector, P. (2006). Industrial and Organizational Psychology. New York:John Wiley & Sons, Inc.

64. Sternberg, J. R. (2011). A review of the relationship among parenting practices, parenting style, and adolescent school achievement.Educational Psychology Review, 17, 120-146.

65. Thiede, B (2016) Resilience and development among ultra-poor households in rural Ethiopia, Resilience, 4(1): 1-13.

66. Vanderhasselt, M. A. and De Raedt, R.(2012). How Ruminative Thinking Styles Lead to Dysfunctional Cognitions: Evidence From. Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry, 43, 910-914.

67. Vollm, B. Taylor, A. Richardson, P. Corcoran, R. Stirling, J. Mckie, S. Deakin, J & Elliott,R.(2006). Neuronal correlates of



theory of mind and empathy: A functional magnetic resonance imaging study in a nonverbal task. *Neuro image*, 29, 90- 98.

68. Wilson, L. C., Rholes, W. S., Simpson, J. A., & Trans, S. (2007). Labor, delivery, and early parenthood: An attachment theory perspective. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 33, 505-518.

